

نگاهی به اوضاع عمومی جنبش

اوضاع پیچیده کنونی از هر لحاظ ماساخی را مطرح کرده که پاسخ به آنها ضروری است. آنچه که کاملاً روشن می‌باشد و توسعه و سرخ شدن مبارزه طبقاتی در ایران می‌باشد. مبارزه‌ای که در بین یک بحران لاعلاج و در درون تضادها، بی‌کراهی‌های سیستم موجود را از زیر بنای ناروینا، از اقتصاد سنتی سیاست دربر گرفته، جریان دارد و هر روز و هر ساعت، با چنان سرعتی به پیش می‌برد که مسائل روز قبل و یا حتی قبل را که می‌باشد، استوار درون این کلاف پیچ در پیچ، یک خط سرخ وجود دارد که به مثابه نشان داد. برآمد مجموعه عوامل با یکدیگر نشان داد.

بحران اقتصادی سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم لیبرال آنچنان عمیق و شدید گردیده که به تمام معنی روند سرمایه‌داری - در آستانه ورشکستگی قرار گرفته است. این بحران چه از لحاظ نفوذ و اشتغال بحران جهانی سرمایه‌داری به ایران و چه از لحاظ بحرانی که با تحولات اقتصادی جامعه ایران و تسبب بحران‌های مختلف سرمایه‌داری - لیبرال هم‌راهند و چه از لحاظ اوضاع منحص‌به‌منص سیاسی که به تشدید مسائل کار (بقول بورژواها) یا دقیق‌تر تشدید مبارزه کارگران در کارخانه‌ها و سرون از آن بخاطر حداقل معیشت خود، ابعاد گسترده‌ای یافته است. بحرانیکردن سرمایه‌ها و بیکاری اندازی آن در سطح عقلایی بود. بقیه در صفحه ۲۰

هشدار به مجاهدین!
در هفته گذشته مجاهدین خلق ایران اعلام کردند: "ملیشیای نظامی خود را برای کمک و همراهی با جنبش فدائیان برای پیشبرد تحریک پاسداران انقلاب

میلشیشیای انقلابی در خدمت پاسداران

اسلامی می‌دهند. این دمکرات‌ها تا به‌کمتر و متزلزل ما، بلافاصله پس از جریانات اخیر و تاج و زینت می‌امپریالیسم آمریکا در طیس، به یکبارگی همه استدلال‌های بر سر و صدا و مدارک بی‌پایان خود را بر علیه بقیه در صفحه ۷۰

پیروزی مقاومت فهرمانان خلق کرد

هنوز ادا ندارد. عده زیادی از مردم بی‌سلاح و بی‌دفاع، زحمتکش کرد در این بمباران‌ها، جان خود را از دست داده‌اند و در پی آوارها و سقف فرو ریخته خانه‌ها به تشنه‌ی دلت بقیه در صفحه ۱۰

اگر چه حکومت در راه رده‌بهرت ۵۹ در کردستان اعلام آتش‌بس نمود، اما جنگ بر علیه خلق گسرد، کشتار مردم و بمباران سنجندج، سقز، بی‌تا، مریوان، مها بادو...

ارزشی چه می‌کند؟

جمهوری زحمتکشانشان بنی‌صدر

سرمایه‌داری در تمام تاریخ خود برای اولین بار جمهوری تشکیل داده است که آقای بنی‌صدر آنرا "جمهوری زحمتکشانشان" نامیده است و شخص ایشان را هم بعنوان بقیه در صفحه ۱۱



کارگران جهان متحد شوید!

رزمنده‌گان

ارگان سازمان رزمنده‌گان آزادی‌طلبانه کارگر

سال اول شماره ۱۱ دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ۵۹ ۲۵ ریال

نگاهی به اوضاع اقتصادی

در گزارشی که بنا به نوشته "تهران - هرالد" (Tehran Herald) در ماه مارس (ایفند - فروردین) از طرف سرپرست بنیاد مستضعفین آقای علی نقی خاموشی به شورای انقلاب داده شده رهنمودهایی بنیاد به شورای انقلاب ارائه نموده است که در درجه اول حاکی از بحران عمیقی است که سیستم سرمایه‌داری وابسته و هیئت حاکمه با آن دست بگریبان است.

آنچه در این گزارش سری منعکس میشود و بقول نویسنده، مذکور جریان‌هایی را که در این محله می‌گذرد نشان می‌دهد از یک طرف بحران اقتصادی سیستم را منعکس می‌کند و از طرف دیگر روشن می‌کند که راه حل‌هایی که بنیاد مستضعفین به شورای انقلاب ارائه می‌کند دقیقاً "نمی‌تواند از محدوده نظام سرمایه‌داری وابسته بگذرد، محور اصلی این رهنمودها مقاومت در مقابل تقاضاهای فزاینده کارگران، تزریق سرمایه بانکی در این واحدها و کنترل امور مالی آنها بوسیله بانکها و اعاده استقرار نسبی آنها از دولت است. بقیه در صفحه ۱۵

در صفحات دیگر می‌خوانید:

- ★ مبارزه ضد امپریالیستی به روایت احزاب بورژوازی
- ★ اطلاعیه وحدت
- ★ خرده بورژوازی و انقلاب (قسمت آخر)
- ★ اخبار جنبش

کارگران جهان متحد شوید!

بقیه از صفحه ۱

می در سطح قابل رقابت و قابل
تأمین ممکن نیست. تقلیل شدید
تأمینات، این سرمایه‌داری که
اشباع یافته پیکر فروش آن تزلزل
ی گردد. مرا همه جانبه سرمایه‌ها
ما امروز ادا می‌دارد. ترس آشکار
سرمایه‌گذاری و ایجاد موانع
محاصره اقتصادی نسبی از طرف
میربالیست‌ها، تنگناهای سیستم
اجید برآورده است. ایجاد
تنگنا و بکار اندازی سرمایه
ریختنهای ساختاری و خدماتی
طور نسبی با رکود و بیرومی باشد.
مه، تنوع بورژواها و بوروکرات‌ها
تجربدر تقلیل بحران کنونی،
بازره روبینایی با تورم خانمان
رانداز و استقرار شرایط مناسب
رایج حرکت سرمایه، با شکست و
تدید بحران روبرو شده است.
تخل اقتصاد سرمایه‌داری
ایستاده و میدان جان به چرخش
رسیده. نظام ازاراده، هیات حاکمه
علی‌الخصوص جناح بورژوازی آن
ارج گردیده است.

این بحران خردکننده، که از
ال ۶۶ به این سو دائماً روبه
تغییر و توسعه می‌باشد، وریشه
ریشه دندید و تا زکات بی‌پایان
نسبت تولید با معیار نیروهای
ولید آن دارد. بر فراز سرخسود،
وینای بحران زده توو متشتت را
محل میکند. در حقیقت از دولتی
ایدئینه‌های سیاسی و اجتماعی
بن بحران را بررسی نمود.

الف) هیات حاکمه
ب) مبارزه طبقاتی
کاملاً آشکار است که نقش مبارزه
طبقاتی در مجموعه این عوامل
برای مبارزه مؤکداً مورد نظر
ست و مرکز تحلیل حاضر آن تکمیل
بدهد. در متن بحران اقتصادی
نونی، مبارزه طبقاتی حادی قرار
رده خود در عین حال یک عامل
تدید کننده بحران محسوب میشود.
بن مبارزه طبقاتی میان کارگران،
نظام و زحمتکشان از یکسو و
حاکمه از سوی دیگر است. مبارزه
میان کارگران و بورژوازی،
لایه‌های و زمینداران بزرگ
عایای فئودالها، میان خلقها و
حاکمه همگی وضع ناامنی را
ای هیات حاکمه بوجود آورده است.

سرمقاله...

تورم، بیکاری و گران، توده‌های
وسیع طبقه کارگر را در خود می‌فشرد.
اکثر کارخانه‌ها با ظرفیت کمتر کار
میکنند و نرخ بیکاری تغییر چندانی
نکرده است. مبارزات طبقه کارگر
که در زمستان گذشته به سطح فزاینده
المانده بالایی رسیده بود، اگرچه در
یکماه و نیم پس از نوروز بطور نسبی
کاهش یافته اما دورنمای آن،
دورنمای نزدیک مبارزه حاد و سخت
میان کارفرمایان و سرمایه‌داران
اعم از دولتی یا خصوصی می‌باشد.
هم‌اکنون طبقه‌های این مبارزه،
خود را نشان می‌دهند. باید به این
مسئله مبارزه دهقانان را در روستا
ها و زحمتکشان متوسط شهری را افزون
هزینه، کم‌ترکن زندگی، وضع شکست
مسعد تولید کثرت روزی در سال گذشته
مبارزه میان زمینداران و دولت
بادهقانان فقیر و متوسط، توسل
حکومت به قهر و سرکوب در ارتباط با
جنبش دهقانی و اصلاحاتی که در شال
بط حاضر دردی از دهقانان جوانخواه
هذگرد، همگی دهقانان را در موقعیت
سختی قرار داده‌اند. اعتبارات
دولت در سال گذشته به دهقانان
اغلب خرج مایحتاج زندگی آن‌ها
میشود و بعلت درگیری‌های
طبقه‌ای در روستاها وضع عمومی
اقتصادی تنها این اعتبارات
مشکلات دهقانان را حل نکرده
بلکه آن‌ها را بیش از پیش به تشدید
اختلاف و تضاد میان دهقانان
و زمینداران بزرگ یا دولت‌کس
خریدار محصول دهقانان ایست
انجام می‌دهد، بطوریکه در استان‌ها
برداشت محصول دولت و وزیر
با زرگانی مؤکداً درباره رعایت
نظم در روستاها و جلوگیری از
درگیری ترس‌مخول تولیدکنندگان
می‌دهند. خلقهای قهرمان ایران با
بصورت آتش زیر خاکی و با بصورت
در باطنی آتش به مقابل به هیات
حاکمه برخاسته اند حکومت خود را رو
روی جنبشی در گردستان می‌بیند
که فرو نشاندن آن غیر ممکن شده

است. توده‌های کرد با چنگ و
دندان به مبارزه‌ای بی‌امان
و مقاومتی قهرمانانه پرداخته،
و در حالت محاصره اقتصادی و نظامی
ضرباتی سخت به قوای نظامی دولت
وارد کرده‌اند.

مبارزه طبقاتی جاری سیستم
سرمایه‌داری و ایستاده آنچنان
در تنگنا قرار داده و آنچنان
بحران اقتصادی را تشدید و عمیق‌تر
نموده که امکان هر نوع مانع
اقتصادی را از دولت سلب کرده است

در این شرایط حکومت ناگزیر
از اتخاذ تاکتیک سرکوب و کشتار
به مناسبت‌ها تاکتیک باقی مانده
میگردد. اصولاً بحران اقتصادی و
مبارزه طبقاتی حاد جاری، حکومت
را به این سمت سوق می‌دهد و برای
کنترل سیستمی که از بیخ و بن
درگیر بحران می‌باشد روابط تولید
و حرکت سرمایه در حالت عادی
شکست خود را از دست می‌دهند. در
سیستمی که اساس آن را بهره‌کشی
بر اساس مافوق سود و تا مین منافع
سرمایه بین المللی تشکیل می‌دهد،
در سیستمی که بر متن بحران عمیق
اقتصادی، طبقات آشکارا به معارضه
با یکدیگر برخاسته‌اند، و به بحران
اقتصادی ابیادی اجتماعی و سیاسی
داده‌اند و بر این مبارزه حاکم
قدرت مانور و فرم اقتصادی را از
دست داده‌اند. دیگر راهی جز
اعمال قهر و غلبه و زور و فشار برای
به جریان انداختن چرخه‌های
اقتصادی بحران زده وجود ندارد.
راهی که از هم‌اکنون بن بست خود
را بنمایش گذارده است، بن بست و
بحرانی که هیچ پیا می‌ری، از کینز
گرفته تا برنام‌های مارشال‌ها و
کندی‌ها آنرا حل نخواهند نمود. باید
افزاده کرد که با وضع موجود حکومت
حتی امکان بهره‌برداری از تریق
ثغث در بخشهای مرده اقتصاد را
نیز ندارد زیرا برای اینکار باید
قبلاً قدرت متمرکز و با اتوریته‌ای
"کار" سرکش و خلق انقلابی را آرام
کرده باشد.

آنچه که به مجموعه فوق باید
افزاده نمود هیات حاکمه‌ای درهم
پاشیده، مملو از تضادها، و جناح‌های
به جان هم افتاده است. البته این
هیات حاکمه همان طور که ما بارها
تاکید کردیم و نشان دادیم در مجمو

خواهان کشتار و سرکوب و بیرو
تاکتیک مذکور می‌باشد. این اجبار
سیستم - سیستمی که آنها همگی در
حفظ آن کوشا هستند - بوده و هست
لیکن در اینجا ما با یک بلوک سیاسی
حاکم روبرو هستیم: بورژوازی ورخته
بورژوازی مرفه سنتی. این دو جناح
از دیرباز به قدرت و در جریان
حکومت تاکنون بارها به جان
یکدیگر افتاده‌اند و در همه ارگانه
نها، آنجا که مشترکاً حضور داشته‌اند
و در کلیت حاکمیت سیاسی درگیر
اختلافات درونی خود بوده و هستند
اگر بخواهیم در یک عبارت
کوتاه آنچرا را جمع به تضاد درین
هیات حاکمه باید گفت خلاصه کنیم
همان "مبارزه بر سر قدرت و اتوریته
نهایی در حاکمیت" می‌باشد. چرا
چنین مبارزه‌ای وجود دارد؟ اگر
بورژوازی ورخته بورژوازی مرفه
سنتی هر دو در حفظ سیستم کنونی
کوشا هستند چرا باید چنین تضاد
جادی که می‌رود تا هزاران جنگاکی به
یک درگیری تمام عیار در درون حکوم
مت تبدیل شود، ذریهات حاکمه
موجود باشد؟ اینجا است که مجموعه
عوامل نمود خود را نشان می‌دهند و به
نوعی متعکس میشوند. بورژوازی تا
زیرکولی خود به خطر بحران عمومی
کنونی پی برده است. بورژوازی
که به مقدرات سیستم سرمایه‌داری
و تنگناهای موجود واقف گردیده
و می‌داند اگر بخود نجات
آنها را نخواهد برد "بلاوقفه تسلط
میکند، به ترمومتری به التیام
اوضاع بحرانی می‌پردازد.

بورژوازی بخوبی می‌بیند که
مبارزه طبقاتی جاری هر چه بیشتر
سیستم را فرسوده خواهد کرد و برای
نجات سیستم راهی جز کشتار و
سرکوب و اختناق و ترور در دست
نیست. اما چگونه؟ به چه صورت؟
با کدام نقشه؟ از برای نجات
"جامه" بورژوازی قدرت متمرکز
ارشد نیرومند "واحد" فرماندهی
"یگانه" ضرورت دارد. تنها
سرکوب "متمرکز" توسط چنین قوه
نظامی‌ای می‌تواند بر دشواری
داشته‌باشد (ا. ز نظر بورژوازی) به
علاوه بحران گروگانهای جاسوس
آمریکایی به خاطر تسهیل روابط
ایران و آمریکا لیس باید در برابر
زود خاسته‌ها، برای راه افتادن

قطع کامل دستهای خونین امپریالیست‌ها، فقط



چرخهای اقتصاد تنها بحران "داخلی" بلکه بحران "خارجی" نیز مانتی بحساب می آید. این مانع همانا درافتادن با امپریالیزم آمریکا و متحدین اروپایی آن میباشد. آنها با محاصره اقتصاد، با فشار اروپا... عملاً به تشدید بحران داخلی کمک کرده اند. کوشش بورژواها جهت تحویل کروگانها به دولت اینک خود را در کوشش آنها برای کسب اکثریت در مجلس شورای ملی جهت تضویب تحویل کروگانها نشان میدهد. نه تنها این بلکه کنترل واحد ارگانهای تبلیغی و انجام تبلیغ با برنامه و حساب شده نیز ضرورت دارد. "با پیدایش ارتش را تقویت نمود همه نیروهای نظامی را زیر فرمان آن برد. با پیدایش آنها را با برنامها سرکوب کرد. با سیدروابط با آمریکا را التیام بخشید؛ اینهاست سیاست بورژوازی. او اینهاست تقدیر گریزناپذیر سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیزم.

در مقابل گرایشات آشکار فوئی که با رها نمودن پندگان بورژوازی از قبیل بازگان و همچنین رئیس جمهور بنی صدر (که به آراء ۱۱ میلیون نی شده است محض است) ابراز داشته اند و در عمل دنبال کرده اند، در مقابل این سیاست بورژوازی، سیاست جناح خرده بورژوازی، حکومت قرار دارد. خرده بورژوازی مرفه نشینی، که روحانیون و مقامات غیر روحانی عالیهایی را در ارگانهای حکومتی به نمایندگی از خود دارد، پیوسته با حفظ سیستم کنونی از اسل موافق بوده و در جهت آن گامهای مؤثری برداشته است. اما این خرده بورژوازی حاکم مقدرات سیستم را به تمامی درک نمیکند. در تمرکز قوای نظامی، از دست دادن نیروهای پراکنده نظامی خود را میبینند. در تمرکز تبلیغات در دست بورژوازی لیبرال، کم شدن نفوذ توده ای خود را میبینند! همان خرده بورژوازی ای که اساساً بر این نفوذ توده ای متکی شده است، در برآوردن اندازه سیستم بطور بقی که بورژوازی میخواهد، تقویت بوروکراتها و تکنوکراتها و در

نتیجه کم شدن قدرت خود را میبینند! و در گرایش بورژوازی به حل سروساده مسئله کروگانها بدون هیچ امتیازی از امپریالیزم آمریکا در حقیقت رژیمی چون ششاه را میبینند که با ترمیم کامل رابطه خود با امپریالیزم دوباره آنها را تحت فشار شدید قرار میدهد، بدون اینکه مخالف حل مسئله کروگانها و تحویل آنها به آمریکا باشند؛ آنها میخواهند این تحویل بصورتی انجام شود که به قدرت آنها در حاکمیت لطمه ای نزنند.

خرده بورژوازی حاکم از یکسو اجبار تمرکز قوا را میبیند و از سوی دیگر مصالح و منافع به خطر افتاده خود را. هرگاه بورژوازی امتیازی بدست آورده است خرده بورژوازی حاکم بشدت به مقابله با آن برخاسته و کوشش کرده است تا تراختی نماید. بدینسان جمهوری بنی صدر را که بزودی از موضع برآیند سیاسی هیات حاکمه به نمایندگی از بورژوازی تبدیل شد، با فتح مجلسی جبران میکند؛ او تحویل پاسداران و قدرت نظامی و فرماندهی کل را (حتی بطور اسمی) با برنامه ششگونی انقلاب فرهنگی و تضییع بنی صدری؛ اثر میبازد؛ چیزی که حتی خود بنی صدر و کل بورژوازی نیز طشع نمینمایند!

اختلاف در بلوک سیاسی حاکم، از آستانه مال جدید، و در ادامه ناتوانی رژیم حاکم در برآوردن از اقتصاد سرما به داری وابسته و سخت یافتن خود را در برابر توده ها به نمایش گذاشته است. سیاست خرده بورژوازی سرکوب و کنترل اوضاع و تسلط داشتن بر پاره های ازارگان نهای حکومتی بحران اقتصادی اجتماعی سیستم را در هم پاشیده و آنرا بفرنج ترمیم میکند. بورژوازی از این امر در عذاب است. "توسعه جنبش انقلابی" ضرورت "فتردگی" فدا انقلاب را در رهبری ارگانهای حکومت و اجرای تاکتیک واحد، در تمرکز قوا و... بوجود آورده است. جنبش انقلابی در جریان رشد خود بیش از پیش اشکال اعمال قهر سابق و برنامه های تبلیغاتی خرده بورژوازی را بی اثر ساخته و اجبار سیستم "فتردگی" واقعی فدا انقلاب را میطلبند. بورژوازی در عذاب است که با تعیین کابینه نخست وزیر خود

را بر شما مازگانها به صورت قانونی حاکم کند. مجلس باید "حاکمیت" دولت را تا مین نماید. اما بنی صدر که تنها در سه شنبه ۱۳ اردیبهشت "حاکمیت دولت" خود را اعلام کرد، در چنین مجلسی آنرا نمی بیند. مجلس، مجلس حزب جمهوری اسلامی "حاکمیت دولت" را به زیر سؤال خواهد کشید. در حالیکه "ضرورت" فتردگی فدا انقلاب "به تمام معنی بر فراز سر حاکمیت سیاسی میچرخد، خرده بورژوازی حاکم این ضرورت را مرادف کم شدن قدرت خود یا رانده شدن به موقعیت درجه ۲ که اعلام آنرا تحمل نمیکند میداند. توسعه جنبش انقلابی بر پایه تداوم بحران اقتصادی و اجتماعی، تشادها سی درون حکومت را به نوبه خود گسترش میدهد. این تضاد، مربوط به نحوه کنترل اوضاع و چگونگی سد کردن راه جنبش انقلابی است.

تضادی است مربوط به نحوه رهایی از دست جنبش و استقرار سیستم سرمایه داری وابسته. این ترشیب بورژوازی که پیوسته به "تعدد مراکز قدرت" و "اخلال در حاکمیت" حمله میکند، خرده بورژوازی حاکم را مانعی در برابر "فتردگی" فدا انقلاب و استقرار سیستم سرمایه داری وابسته میبیند. مانعی که با پدید آمدن "تضاد" بدین علت است که "انقلاب اسلامی" و همه تشریفات و مباحثه های بورژوازی لیبرالها مگر آنرا به ضرورت سپردن همه امور بدست رئیس جمهور سخن میگویند. بورژوازی لیبرالها برای برآوردن اندازه سیستم، باید مواضعی را که خرده بورژوازی بر سر راه "فتردگی" واقعی فدا انقلاب ایجا کرده است بردارند. باید در مقابل آنرا ریشم و خود مرکز بنی خرده بورژوازی حاکم اتورپته و احد دولت و رباست در جمهوری را قرار داد. بورژوازی لیبرال تا کزیر به مقابله با خرده بورژوازی حاکم میگردد و بدین ترتیب بلوک سیاسی که از همان ابتدا حاصل این تضاد بود، آنرا بدزجه بالایی در حال وسعت میبیند. بلوک سیاسی، بر سر رهبری خود دچار تضاد میگردد.

اما اگر بورژوازی نخواهد "فتردگی" کامل فدا انقلاب را تا مین کند، تا چار از دوزخ تشادها و

تفرقه بلوک سیاسی با بدبگذرد. دست اندازی به مواضع قدرت خرده بورژوازی در دستور تعرض بورژوازی قرار گرفته است. با پیدایش ارتش راکش بنا به طبیعت خود به بورژوازی لیبرال متکی میباشد، ارتش آمریکایی را تقویت نمود. لیبرالها، با وقاحت و بی شرمی تمام فریاد میزنند: ارتش را تضعیف نکنید. و از همه اقدامات آن و از جمله خدمت مستقیم آنان به امپریالیزم آمریکا در تاج و تازیانه میباشند. حمایت میکنند، حتی سر کرده خرده بورژوازی را هم با خود همکاران میکنند. ارتش را تطهیر میکنند و از سر بازان میخواهند که به فرماندهان گردن بگذارند. این موضوع که بدینجا مورد تائید خرده بورژوازی حاکم بوده، اکنون نه تنها با مخالفت نسبی آن، بلکه با افشاکاری نسبت به ارتش و فرماندهان آن رو بر رو گردیده و علت اصلی آن اتکا بورژوازی لیبرالها به این ارتش و از این طریق به آمریکا میباشد. بورژوازی لیبرالها حمله شدید خود را به وضع رادیکال و تلویزیون و تبلیغات تکا پسا و میاجد آغاز کرده اند. اینها مراکز قدرت تبلیغاتی خرده بورژوازی هستند. بورژوازی لیبرالها تحریکات این مراکز را که با برنامه خرده بورژوازی منطبق است، تنها منجر به اغتشاش و دامن زدن به بحران میبینند. آنها مخالفت خود را با انقلاب فرهنگی خرده بورژوازی حاکم، علناً اعلام نمودند. و آنرا از آنجا که بی نظم و خارج از کنترل دولت بنی صدر بود، بشدت مسرور و شامت قزاقان دادند. آنها با چهره های ترس آلود و دروغ پرداز خود منادی آزادی عقیده! اگر بدیندست عقیده خرده بورژوازی آزادانه مورد حمله قرار گیرد... خرده بورژوازی حاکم که در سرکوب توده های انقلابی از بورژوازی سبقت میگردد و حتی انعطاف آنرا مورد حمله قرار میدهد بخاطر وضعیت خاص خود و نیز بخاطر وضعیت نمایندگی سیاسی اش یعنی روحانیت، نمیتواند تدریجاً بی متناصب با قانونمندی تشبیه و استقرار نظام سرمایه داری وابسته داشته باشد. و با وجود سبقت و درنده خوئی آن در برابر انقلاب و مبارزات

بوسیله کارگران و زحمتکشانشان امضا کنید راست!



توده‌ها هرگز نمی‌توانند با آنچنان وضعیتی که دارد، منطق یا منطق رفهرم و سرکوب و نظم‌چا می‌سازد سرمایه‌داری وابسته عمل کند. سید ست سرکوب آن هر چند وحشیانه‌تر از بورژوازی باشد، باز اوضاع را راجع تر می‌سازد. و نا توانسی رژیم را در آرام کردن توده‌ها دو چندان می‌سازد. سیاست رفهرم آن نیز منطق یا منطق استثمار و غارت سرمایه‌داری وابسته نبود، و بیش از پیش مانع از بسط و افتادن چرخهای فروسده اقتصاد و سودآوری آن میگردد.

در مجموع، عملکردها و مواضع خرده بورژوازی سنتی مرفه متناسب با نظم خاص سرمایه‌داری وابسته و مقتضیات آن نیست، هر چند که با قدرت تمام در خدمت این نظام و بر علیه انقلاب و در جهت سرکوب و حش می‌ارزات توده‌ها عمل میکنند، اینست شنا قش خرده بورژوازی.

حملات بورژوازی به عکس العمل خرده بورژوازی جهت حفظ مواضع خود کشیده میشود. کثاکش کنونی در هیات حاکمه در شرایطی که ضد انقلاب با بسط فشرده گردید، همین جانشینی میشود. مفاد این در مقابل هم ادامه دارد. از لحظه‌ای که بنیسی صدر اعلام کرده است که بنیته را قبل از مجلس تشکیل خواهد داد، حزب جمهوری اسلامی اعلام کرده است که بنیته باید مورد اعتماد مجلس باشد. مبارزه هیئت حاکمه بنیتری شرف کرسی های خالی مجلس، بالا گرفته، و آنها لیست های کاملاً متما یز و طبقاتی خود را ارائه داده اند... بنیست بحرانی اقتصاد و مبارزه طبقاتی، به بنیست دیگری در عرصه هیات حاکمه همراه میگردد.

اما آنچه در قدرت سیاسی حاکم اوضاع را پیچیده تر کرده است موقعیت توده‌ای جناحهای بلوک سیاسی است. جناح خرده بورژوازی که آیت الله خمینی را با خود دارد، و بسیاری از روحانیون در چهارچوب هیئتی مشهودا لسی و روابط سنتی به آن متعلقند، بخش وسیعی از توده‌های متروهم را به همراه دارد.

خرده بورژوازی با استعاده ارا اعتقادات و سنی مذهبی توده‌ها

آن را بسد نال خود می‌کشد. "راهپیمایی مداوم" به مناسبتهای گوناگون و نماز جمعه‌ها و مراسم دینی و اجتماعی دیگر عمدتاً زیر نظر و رهبری خرده بورژوازی حاکم انجام میشوند. این راهپیماییها به عرض اندام در برابر بورژوازی میپردازد. اگر چه بنی صدر سعی کرده از این روش بهره ببرد و کند و انکاء خود را به آرا توده‌ها در مقابل آن قرار دهد ولی در برابر خیل عظیم روحانیت حاکم و اعتقاد توده‌ها از لحاظ دینی به آنهاست، موفقیت بنی صدر تا چیز بوده است خرده بورژوازی حاکم داشا توده‌ها را در حالت تهییج نسبت به خواسته های خود نگه میدارد. آنها بر احتی با شعار اسلام در خطراست، و با به کمک امام بشتابیم، توده‌ها را به خیال با آنها میکشند و بورژوازی لیبرال را در تنگنا قرار میدهند.

بورژوازی که در مجموع فاقد پایگاه توده‌ای میباشد، و قدرت خود را در ارتش و بیوروکراسی میبندد، اکنون با کثاکش درونی هیات حاج که به روشنی به فقدان پایگاه توده‌ها جهت عمل علیه خرده بورژوازی و - قف گردیده است. ارتش، که بورژوا لیبرالها بر آن انکاء دارند، از دو جهت دچار ضعف میباشد:

۱) همکاری اخیر آن با امیر - با لیم آمریکا در تجا و نظامی در طیس که با افشا اسناد مربوطه توده‌های مردم تدریجاً به سو ظن نسبت به ارتش پرده افش و خرده بورژوازی نیز این مسئله را به مثابه شمشیر داموکلس بر فرا سر ارتش آویزان نموده.

۲) مسئله توده‌های سربازان و درجه داران، آنها در جنگ های اخیر دولت بر علیه کردستان با مقاومت قهرمانانه خلق و بیورو شده اند. جنگ کردستان که میباشد روحیه پرسنل ارتش را بالا ببرد عملاً به اعتراض سربازان و درجه داران نسبت به این تجا و زمنجر گردیده است. هر چه این جنگ خانما - نوز بیشتر ادامه یابد، خطر فوق بیشتر ارتش را تهدید میکند.

ارتش یک ارگان توده‌ای نیست. و عملیات آن در جهت دفاع از لیبرالها نمیتواند نیرویی قابل انکاء و اعتماد محسوب گردد. چنین است که بورژوازی لیسبرال بدنبال نیرویی توده‌ای میگردد تا با توسل به آن در مقابل خرده بورژوازی امکان مانور داشته باشد.

بورژوا لیبرالها، برای اینک عملاً به حمایت دروغین نسبت به دمکرات های انقلابی (با خرده بورژوازی رادیکال) یعنی مجا - هدین خلق پرداخته اند، چه بنیسی صدرو چه با زرگان در این عا یسات اخیر چه تلویحی و چه علنیاً پشتیبانی خود را از مسعود رجوی کاندیدای سازمان مجاهدین - اعلام کرده اند. آنها سعی میکنند با سیاست نزدیکی به دمکرات های انقلابی که خود درگیر مبارزه با حزب جمهوری اسلامی شده اند، موضع خویش را تقویت نمایند. این امر ابدیه معنای دمکرات بودن این بورژوازی با تمایل به دمکراسی در آن نیست، بلکه نشانه ضعف آن نسبت به خرده بورژوازی سنتی مرفه از لحاظ داشتن پایگاه توده‌ای میباشد. آنها از طریق - نزدیکی به مجاهدین، کسب پشتیبانی نیروی توده‌ای آن را در مقابل خرده بورژوازی دنبال میکنند. آنها اجباراً به این سمت متمایل شده اند طبیعی است که میان دمکراتهای انقلابی و بورژوا لیبرالهای ضد انقلابی تضادی عمیق حکم فرماست که آنرا با دگی و با مقایسه برنامیه بورژواها و دمکرات ها میتوان مثلاً دهه نمود. تضادی که مانع از همراهی و همکاری جدی آنهاست.

همانطور که در هفته گذشته نیز دیدیم، حمله خرده بورژوازی حاکم به این اقدام بورژوازی که با ترس و لرز و در لاله انجام شده بود، شدت گرفت. آیت الله خمینی، روزنامه جمهوری اسلامی و آزادگان، به افشاء بورژوا لیبرالها و اسلام توطئه های "وزیر سابق با زرگان"، نزیه "پرده افشاندن" آنها علناً حمله خود را با نام و نشان بورژوا لیبرالها مزین کردند. و بورژوا لیبرالها نیز سرعت اطلاعیه حمایت خود از مجاهدین را اصلاح نمودند. اما کوشش بورژوا لیبرالها برای کسب پشتیبانی با انکاء نیروهای دمکرات انقلابی، نه تنها به کاهش تشنج درون حکومت نمیانجامد بلکه به عکس به سرعت آنرا وسعت میدهد. بنی صدر از اتحاد اسلامی هم - نیروهای مسلمان سخن میگوید و بدین ترتیب مجاهدین را نیز تا شید میکند. لیکن اتحادی که به بنی صدر از آن سخن میگوید در واقع امر نه تنها ممکن نیست بلکه بهیچ طریق عملی نیز نیست. حمایت تلویحی لیبرالها از دمکرات های

انقلابی با شکاف عمیقی که میان برنامیه های آنها وجود دارد، در صورتی که منجر به دادن امتیازی بجز "حمایت" به دمکرات ها نگردد، تنها و تنها مبارزه درون بلوک سیاسی حاکم را سخت تر میکند، و بنیست سیاسی رژیم حاکم را شد - بدتر میسازد.

بورژوا لیبرالها میخواهند تضاد خود را در بلوک سیاسی شان درین صفوف خلق گسترده کنند و از این طریق زیر پای خرده بورژوازی مرفه سنتی را خالی نمایند. آنها برای تهاجم و تعرض به مواضع خرده بورژوازی، برای غلبه بر هجیان توده‌ها، برای تقویت خود، به این امر بنیاضا زمندند.

خرده بورژوازی حاکم نیز در آستانه استقرار کامل رژیم قانونی که به معنای نابودی شوروی انقلاب، نظارت رئیس جمهور، اداره کارهای مملکتی، تعیین کابینه و وزیرا میباشد، خود را در معض تقصیف میبینند. البته با بدگفت که هیچیک از دو جناح بلوک سیاسی در حال حاضر، تمایل به راندن آن دیگری از قدرت سیاسی ندارند. (و نمیتوانند هم داشته باشند). اما وقتی مسئله حفظ مواضع سیاسی تسخیر مواضع جناح مخالف مطرح باشد، آنگاه دیگر راهی جز مقابله باقی نمیماند. آنها وحدت خود را نمیتوانند فدای تضادهاشان کنند و لی تضادهاشان وحدت آن را زیر سؤال میکشد و دچار نوسان میکند. هیچ طبقه‌ای، هیچ قشری از یک طبقه، که در حاکمیت سیاسی قرار داشته باشد به سادگی مستحیل در دیگری میگردد و نه به سادگی در شرایطی که جنبش توده‌ای تا این حد وسیع میباشد و بحرانی عمیق گریبان سیستم را گرفته، در مقابل دیگری عقب نشینی میکند.

بنابر این به معنی کامل کلمه بنیست در هیات حاکمه بوجهود آمده است. آموزش مارکس مربوط به انقلاب در توسعه خود یک ضد انقلاب بهم فشرده تشکیل میدهد. با آموزش لنین در مورد "ایجاد شکاف در درون هیئت حاکمه هنگام پیش رفت جنبش انقلابی و در شرایط بحرانی" منطبق گردیده و هیئات حاکمه را در برابر کوهی از درگیر - بهای درونی و بیرونی در قفسال جنبش توده‌ای قرار میدهد. مانور بورژوازی در زمینه استفاده از مو - سبیه در صفحه ۹

نیز اکنون دم از مبارزه ضد امپریالیستی میزنند و میگویند: تا مگر در علامه ها و نوشته های خود با این امر هتد ادا دیم که شرایط حساس و بحرانی وطن ما چنانست که باید با شما می توان از بروز تشنج و درگیری های داخلی پرهیز کرد و تلاش کرد تا ما می افراد ملت در صوفی فشرده در برابر توطئه ها و تها و زها ی خارجی با همبستگی و شور لازم آمده دفاع از حیثیت و شرف و آزادی سرزمین خویش باشیم (۶) " آنها با شعار " همه ما هم " در این نقطه با " حزب توده " دشمن دیرین خود تلافی کرده و همه را به وحدت در مبارزه با امپریالیسم دعوت میکنند و نیز بفرست این دعوت را " خیانت به ملت " قلمداد میکنند. منظور حبیبه ملی از مبارزه ضد امپریالیستی اینست که با " انحراف رطلی " مبارزه کند، یعنی او را هم در سرکوب توده ها و خلق کردی می بدهند، یعنی یکی از آقا یسان را مثلا در " وزارت کار " قرار دهند، تا چون همکار دیگران " داریوش فروهر " نیروی ویژه ترشیب داده و بهمان کارگران بیفتند. او از آن ترش

این روزها، همه از مبارزه بر علیه امپریالیسم دم میزنند، سنی مد ر حزب جمهوری اسلامی، البیرال های در حکومت و خارج از حکومت حزب توده و مجاهدین خلق و کمونیست ها، شاید اگر نه خائن هم حضور میداشت، در این میدان، میدان داری میکرد. اما آنچه مسلم است، هر کدام از این افراد و احزاب، که اقشار و طبقاتی از این ملت را نمایندگی میکنند، از این مبارزه و با ادعای آن، هدف و منظور خاصی خویش را دنبال میکنند و از موقعیت بدست آمده، که آنرا یک فرصت طلایی بحساب می آورند، برای رسیدن به اهداف خویش استفاده میکنند.

منظور بنی صدر، از این مبارزه، رسیدن به امنیت است، فکسر امنیت " سرما به " خواب و خوراک را از او ربوده و همه چیز را از این زاویه مینگرد. در این مبارزه ضد امپریالیستی، از نظر بنی صدر، با " سید " " ثورا "، پورا " بمالد " ارتش با سازی شود. همه قدرت بدست دولت او متمرکز شود و مراکز متعدد قدرت از بین برود. خلق قهرمان کردکشتار

مبارزه ضد امپریالیستی به روایت احزاب بورژوایی

دارد که با " تا واردی های انحصار طلبان " با شیرازه امورا هم پاشیده و فاجعه به راه بد (یعنی کارگران و زحمتکشان قدرت را در دست بگیرند) و با اینکه بر اثر هرج و مرج و بی وقوع پیوستن یک گروه ها، گشت و گشتاری شده و مجدداً رژیم ما نند رژیم گذشته موجود آید، که هر چند بسیار ریه تراز حالت اول است، اما چندان هم منافع " البیرال " ها را تأمین نمیکند. هما منظور که دیده میشود، در تحولات و آرزوهای ضد انقلاب، همگی مشترک آشکاری بی چشم میخورند که در واقع زمینه عینی حبیبه متحسد با مصالح ضد امپریالیستی آنها را تشکیل میدهد. در نوشته های همه آنها با اشکال متفاوت، بنیروهای انقلابی کودکان را به حمله گرفته شده و عامل آمریکا را می بیند، که گروه های چپ با بقول آنها " چپ نمسا " در همه جای ایران، به ادنا رواترین تهمت ها و وقیحه ها ترش فحاشی ها قرار میگیرند. در گفته ها و نوشته های همه آنها، مرز انقلاب و ضد انقلاب " عوضی " نشان داده شده و درهم میزنند. در گفته ها و نوشته های همه آنها، دعوت سازش طبقاتی " و " همه در گفته ها و نوشته های همه آنها، دعوت سازش طبقاتی " و " همه با هم " به درشتی هر چه تمامتر بیخود.

در این میان، هیأت حاکمه که فرصتی طلایی بدست آورده است به هیچ قیمت نمیخواهد آن را از دست بدهد. او به کارگران و سربازان و همه انقلابیون میگوید:

کارگساران و زحمتکشان و سربازان انقلابی مگر نمی بینید، که " ه " دولت و ملتی مانند ایران با آمریکا نمیچسبد (۷) اکنون موضع طرح درخواست های فرعی نیست، ما با شیطان بزرگ در افتاده ایم و همه با هم، باید در خط رهبری، با او مبارزه کنیم و در این راه باید توجیه داشته باشیم که: شما ای سربازان، درجه داران و پرسنل انقلابی، سعی نکنید ارتش اسلامی را تضعیف کنید، گوش به نشانه ها ندهید! چه امنیتی دار که چند افسر و " امیر " " توبه کرده " همه قدرت را قبضه کرده اند شما به حرف این گروه های چپ شما که آمریکا بی هستند گسوس ندهید. ما داریم با آمریکا مبارزه میکنیم چرا دارید ارتش آمریکا بی را تضعیف میکنید.

درست است که همین فرماندهان بودند که متوجه " نقطه های کور ؟ " را ندارند و برای مقابله با امپریالیسم، طهی کوپترهای جا مسل استند و انا بودند کردند، ولی این مسائل را ما خودمان دنبال میکنیم. مگر نمیدانید از طرف شورای انقلاب یک هیأت سه نفره، متشکل از چمران ؟؟ و رفسنجانی و خامنه ای تشکیل داده ایم، امروز تضعیف ارتش، تضعیف لشکر اسلام " است !

اما شما دهقانان! مگر نمیدانید که ما داریم با امپریالیسم آمریکا مبارزه میکنیم و تحت معاهده اقتصادی هستیم؟ حال زمین میخواستید که بگذارید ما مبارزه ضد امپریالیستی ما را بکنیم. فکر نکنید که این فتوای ها و آریایان هستند که بخاطر بیرون راندن شما، از زمینهای " غمی " " خرمن ها را آتش میزنند. خرگول این حرفها را

سرکوب شده، بجای خویش بنشینند، گروه های انقلابی که بزعم او همه وابسته به امپریالیسم اند، خلق سلاح شوند و سرانجام مسلح گردانند. آنها بنحوی فیصله یا تدبیر " انقلاب ما می انقلابی " آن دسته از کشور های اروپایی که چنانچه استقلال از آنقدرتها هستند از برای این سران مطمئن شده (۱) " و قرار دادهای اقتصادی با " جهان دوم " بسته شود و با این ترتیب چرخهای اقتصاد دکتوریکاری بیفتند، زیرا برای اینکه " وضع مردم خوب بشود باید بتولید بالا برود و لای جا در تبدیل ثروتی در واقع فقر را تقسیم کرده ایم (۲) " و پس از آن، مسائل و مشکلات کشور نه " با زور و زورمداری " بلکه با " بحث و فهمی " حل و فصل شود. منظور حزب جمهوری اسلامی، از مبارزه ضد امپریالیستی اینست که: " جنود شیطان " سرکوب شده و حاکمیت " حزب الله " برقرار شود، هر چه بیشتر مواضع قدرت را در دست آن خویش متعزز کنند، گردستان سرکوب میشود، احزاب و گروه های که " بنیون پنجم امپریالیسم اند (۳) " غیر قانونی شوند. جلوی هرگونه نشر افکار و اندیشه ها گرفته شود زیرا " اگر نگاهی به تعداد دروژنا ها و مطالب آنها از ابتدای انقلاب تا کنون ببیند ازیم خواهیم دانست چه بیلاهای از طریق همین روزنامه ها و بزرگ کردن خبرهای آن چنان نویسه مستحکم همان آزادی تعریف شده گل و گشتاد بر سر انقلاب آمده است (۴) " و بنا بر این در این مبارزه ضد امپریالیسم " یعنی " در سطح کشور، مسئولین مربوطه در دولت مرکزی به هیچوجه نباید اجازه انتشار روزنامه، مجله و هفته نامه ای را که قصد خالی سازی کردن دل مردم را از انقلاب داشته باشد، تا کی باید اهدا آن بود که کوچکترین اشتباهات و طبیعی ترین اقدامات، از طریق تیتراهای بزرگ به چشم دشمن کشیده شود؟ (۵) " حزب جمهوری اسلامی میخواهد، بجای هر شما را، " حزب فقط حزب الله " در سران کشور زمین انداخته و زمینه را برای " فراگیر شدن این حزب فرا هم کند، او در این میان میخواهد همه شما را و سندی ها و مراکز قدرت را کارگری، زیر سلطه " حزب " قرار گیرد و آنگاه توسط مجلس شما که امیدوار است، در این بین کاملاً سر نفوذ شما بد، با رد و بدل کردن امتیازاتی، مسائل و گواهی رانیز فیصله داده و در نقطه ای با هدفیایی که بنی صدر در مقابل خویش دارد، با روشی دیگر، تلافی کند.

حزب توده، از مبارزه ضد امپریالیستی منظور دیگری دارد. او میخواهد به هر وسیله ای که شده، از خواسته ها و تمنا گرفته، تا در یوزگی آستان هیأت حاکمه حکومت را بسطت " ملوک شرق " و با مزعم او، اردوگاه سوسیالیسم سوخت دهنده به این ترتیب، تحت رهبری " حزب الله " هم که شده باشد، او به " سوسیالیسم " مورد نظرش برسد زیرا او به " انترناسیونالیسم پروولتری " معتقد است و مهم اینست که این کشور در خدمت آن " ارد وگاه " قرار گیرد.

و اما حبیبه ملی " و سایر سربور و البیرال های دارای مقامی مقام

بقدری پیگیرانه عمل کرد که آمریکا را همه، این درگیری ها، حدود پیشقدم شد، چه در قطع صدور نفت، چه در بلوکه کردن ارز و چه در قطع رابطه سیاسی!

کارگران و زحمتکشان چگونه اختیار میارزند؟ امپریالیستی را بدست هیات حاکمه ای بسیار تند که ۱۵ ماه است که دارد قرارداد های دوجانبه و چند جانبه اقتصادی، سیاسی، نظامی را با امپریالیسم آمریکا و اروپا مطالعه میکنند و هنوز در ای آنها را امضا نکرده است؟

نیروهای مبارز و انقلابی چگونه میتوانند قریب هیات حاکمه ای را بخورند که در طول ۱۵ ماه پس از انقلاب، حاضر شده است شبکه های جاسوسی سیا و ساواک را افشاء کند؟ ما برای ا مثال "رجوی ها" افشاکری ترتیب میدهد؟! این چه مبارزه ضد امپریالیستی است که منتهی الاملش پیوندن مبارک با زاپن و فرانسه و آلمان میباشد.

کمونیست ها و نیروهای انقلابی چگونه باید در جاده ای گذارند که در انتهایش نشئون های بزرگ ورنکی "وابستگی به امپریالیسم" و در بهتر بین حالتش (از نظر هیات حاکمه) وابستگی به امپریالیسم زاپن و اروپا مشاهده میشود.

اگر کسانی بخوانند، بعنوان مبارزه ضد امپریالیستی، طبقه کارگران به زنجیر کشند، هر چند که تضادهای هم با امپریالیسم داشته باشند در عمل، در جهت منافع امپریالیسم گام برداشته اند و این کاری است که هیات حاکمه در این ۱۵ ماه انجام داده است.

چهار کسان ۵۰۰ میلیون تومان به سرمایه داران برای راه اندازی کارخانجات و امدادن آنها نیز پول را برداشته و فرار کردند؟ هیات حاکمه! چه کسان با شما قوا، با شما ها، که در اساس هیات حاکمه را به قدرت رسانده بودند مخالفت کردند و نیروی ویژه را خنثی و بجان کارگران افتادند. کارگران مبارز را به زندان افکندند. پس از ۱۵ ماه قانون کار "طاغوتی" را بی تنفیذ لازم الاجرا دانستند و فتواها در تحریم اعتصاب و تحمیل دادند. و حق اعتصاب را که از خواست های اولیه مبارزه کارگران با رژیم سابق بود از قانون اساسی حذف کردند؟ هیات حاکمه! چه کسان با اجازه داند خلق خود را کاملاً بر سرش خویش شود. قانون اساسی دست پخت "خبرگان" را امضا کردند. و در هر جا که ششانی از حاکمیت خلق بود با آن بمباران و پراختند، انقلابیون را زندانی و اعدام کردند و با اکیها را غرق و آذاد! هیات حاکمه!

چه کسان دسته های ارادل و او باش و پاره ای جوانان فریب خورده را بسیج کردند و به جان نیروهای انقلابی انداختند، صدها نفر را با چاقو زده و به روئها و دخترها تاج و زکرت و آنها را در رودگا رون غرق کردند؟

چه کسان مقدمات جنگهای ملی و جهاد با "گزار" را صبح تا شام، بوسایل و ابزار گوناگون تبلیغاتی شان "موعظه کردند و هم اکنون نیز مبارزه با امپریالیسم را بنام "مبارزه با گزار" (۸) "اسم گذاری میکنند.

چه کسان برای مبارزه با خلق کرده کردستان لشکر کشی کرده و ماها، بنام هیات حسن نیت، مقدمات جنگ را فراهم کرده و صدها تن از فرزندان دلیو خلق را در راه خاک و خون افکند و با ما ستوم ها و هلی کوپترهای آمریکایی، شهرها را گلوله باران کردند؟

چه کسان از آگاه شدن خلق و حث داشته و با روشها و متدهای گوناگون جلوش را فکا رو عفا پدرا گرفته و در شهرها "جشن کتاب سوزان" برپا انداختند، به چا پخانه ها هجوم آوردند، روزنامه ها را تحریم کردند و اطلاعیه ها و هندارها خطاب به دست اندکارهای بشریات صادر کردند و دستاوردهای قیام را بعنوان "عطیه" خویش قلمداد کرده و هر وقت بخوانند میتوانند پس بگیرند؟

آری، ما نمیدانیم که این هیات حاکمه، با امپریالیسم تضادهایی دارد اما در همان حال، و دوچندان بیش از آن، اعتقاد داریم که این ها، بهمین زدوی با امپریالیسم به نواحق میرسند، زیرا جاده ای که آنها در آن گام گذاشته اند (و آگاهانه هم گام میگذارند) انتهای جزیبوستگی با امپریالیسم ندارد. مبارزه ضد امپریالیستی آنها، در نهایت به زنجیر کشیدن طبقه کارگر منتهی خواهد شد. طبقه کارگر قریب! این جبهه را نخواهد خورد.

بفیه در صفحه ۱۹

نخورد! این کمونیست ها و خلقی ها؟! هستند که برای کمک به امپریالیسم آمریکا و برای اینکه ما همچنان گندم از خارج وارد کنیم، خرمن های شمارنا بود میکنند. هر کس که گفت "تورا های دهقانانسی تشکیل دهید" "ایدا نید که ما مل آمریکا است! هر کس که گفت زمین بسرای برزگریدانید" "چپ آمریکا بی" است! هر کس که گفت زمینهای فتودالها و اربابان بزرگ را مصادره کرده و تحت اداره تورا ها بیدکنست بپردازید بیدانید که از "جنود شیطان" است.

و به کارگران میگویند:

شما ای کارگران! ای شوریدگان حکومت جمهوری اسلامی! ای کسانی که طلب این جمهوری برای شما میطلبید، باید بدانید که "تصاد عمد" ما با امپریالیسم است "مبادا کاری کنید که ما جمعه ۲۸ مرداد تکرار شود! مبادا کاری کنید که ما جمعه شیلی در اینجا تکرار شود. کارگر و سرمایه دار، حاجی بازاری و کشا و روزندارد، همه! "است اسلامی" هستیم و برادریم. ما خودمان به سرمایه داران و حاجی بازاری ها خواهیم گفت که مراعات حال همه، "مستضعفین" را بکنند. فعلا وقت این حرفها نیست، کار و تولید کنید تا ما مبارزه ضد امپریالیستی کنیم.

خواننده توجه دارد که قصد ما از این نوشته طنز برداری نیست، این جملات موبوءان افرا دو عناصروا رگانه ای هیات حاکمه خارج میشود. همه، روزنامه ها و گفتارهای رادیویی و سخنرانیهای مربوط به هیات حاکمه، این حرف ها را به اشکال مختلف "تقریر" میکنند.

اما ببینیم واقعیت امر چیست؟ ببینیم چه کسان در جهت منافع امپریالیسم قدم بر میدارند و چه کسان منافع امپریالیسم جها نخواستارنا مین میکنند؟ هیات حاکمه یا کمونیست ها؟ هیات حاکمه یا کارگران و زحمتکشان؟

کارگران و زحمتکشان با اعتصاب ها و نظاهرات خویش، با به های رژیم را لرزاندند و آنگاه که رهبران جنبش فریاد میزدند "ما هنوز حکم جها نداده ایم" با فریاد "رهبران ما را مسلح کنید، رهبران ما را مسلح کنید" و سپس با حمله مسلحانه، با دکانهای رژیم را درهم ریختند و در حالی که کوشش میکردند این موج را به همه، ارگانها و نهادهای رژیم شتاب هتاهی روح دهند، رهبران "این اقدام را" "بمنفع آمریکا" و "هتئسی" "توطئه آمریکا" "میدانستند، آنها سپس حمله به "جاسوسخانه آمریکا" را کارگروهها و دستجات ما اجرا و عا مل امپریالیسم "قلمداد" کرده و ارگانهای را که اذ دل قیام بیرون آمده بودند، به پاسداری "جاسوسخانه آمریکا" فرستادند.

تا کید هیات حاکمه، بر کار و تولید، جیرجیدی نیست که ترا بیست جنگ با امپریالیسم آمریکا و یا رژیم فاشیستی بغداد دبه و تحمیل کرده باشد! آنها از همان روز اول، فرمان کار و با زکشت همه چیز را بحالت عادی دادند و به پشتوانه آن دهها و دهها "فتوا" صادر کردند. زیرا به زعم ایشان، دوران خرابی بسر آمده و باید "سازندگی" کرد. اما سازندگی نه بر ویرانه های نظام سرمایه داری وابسته بلکه در جهت ترمیم خرابی ها! اگر بحران اقتصادی و اجتماعی در دوران رژیم شاه باعث انقلاب شد، آنها میخواهند قهقهه را تنها به یک تغییر حاکمیت سیاسی محدود کنند. از همان روز، هر کارخانه ای که اعتصاب کرد، هر کارگری که خواهان نابودی رژیم سرمایه داری وابسته و خلق پیدا از سرمایه های خارجی و بدست گرفتن امور کارخانه توسط تورا ها شد، به مبارک خدا انقلاب مورد حمله قرار گرفت. آیا نیروی ویژه را برای مبارزه با امپریالیسم تدارک دیده بودند؟ مگر غیر از این است که همگان "امیرا نظام"، "جاسوس آمریکا" بی مورد اعتمادها "ت حاکمه که" "کسی پاک توارا پیدا نکرده" بودند، با رها و بارها، از تولید و کار بسرای ترمیم همان نظام محبت کرده بودند و با کمال وقاحت کارگران بیکار را حقوق بگیر آمریکا! قلمداد کرده بود؟

ما رزمه ضد امپریالیستی در شاعر و حرف نیست... مبارزه ضد امپریالیستی اطلوب و قوا عادی دارد. رهبری معینی میخواهد و وحدت طبقات معینی را میطلبید. کارگران و زحمتکشان چگونه اختیار مبارزه ضد امپریالیستی را به هیات حاکمه ای بسیار تند که در این مبارزه

بغیة از صفحه ۱

هيات حاکمه و بطريق اولی ارگان های سرکوبش بفرما مونی سپردند . روح نوسان کننده و مترنم آنها در برابر واقعیت مبارزه طبقاتی آن چنان سردرگم شده است که اگرگان ارجاع (بقول خودمجا هدين) را با ارگان انقلاب تعویض میکنند و یا ساداران را با یک بسیا سیه انتماس آمیز نظمیری نمایند .

بیا نیه تحویل میلیشیا ایجا هدين خلق به پاسداران "برای مبارزه صد آمریکا شی و صد آمریکا لیستی" خاکشی از آنست که در شرایط موجود دشمن اصلی ما امیریا لیسم است و در نتیجه باید با بدبنا متما نیروها ایضا امیریا لیست علیه آن متحد گردید . این حرف تا آنجا که دشمن امیریا لیسم آمریکا با خلق ایران را متعکس میکنند ، صحیح است . ولی پایگاه داخلی امیریا لیسم و آنچه را که خلق باید نابود کنند تا آنرا دگر ددیعی سیستم سرمایه داری وابسته را نابود کنند میگرد . و بر روی آن ما به می اندازد و نیروی اصلی را که در دستا یو

را با خاک و خون می کند ، خلق ترکمن و بلوچ را قتل و عام میکند ، کارگران و زمینکنان را سرکوب می کند ، چشمش بر روی می پوشاند . با این وجود باید بدید و افقا چه نیروها بی می توانند در مبارزه علیه امیریا لیسم شرکت کنند و چگونه ؟ بیا نیه مجا هدين در مورد تحویل میلیشیا ای انقلابی به پاسداران در این مورد مهر سنگین سکوت یک دمگرات متور لزل را بر لب میزند .

مجا هدين خلق که ما امروز ، در توهم نسبت به ما هیت حکومت بفرمی بپزند و در اعلامیه خود پیرا مون همنسدا ر نسبت به حمله به دانتکا هها ، بسی صدر را مخالف حمله به دانتکا هها قلمداد میکنند و از می خواهند که حلوائین کارها را بگیرد و احسان مسئولیت کند ، حالانکه آن نوه هم خود را به سپاه پاسداران نیز گسترش میدهند ، روح متعاندی بیا نیه آن چنان برجسته است که تنها با نقل قول یک عبارت کوتاه از آن میتوان همه چیز را نشان داد . بیا نیه ای از توضیح اوضاع و اعلام اینکه میلیشیا را در اختیار پاسداران قرار میدهد ، میگوید که استکار برای مبارزه با امیریا لیسم امری است و :

میلیشیا ای انقلابی ...

"بیلیشیا است اعضا ما در هیچ درگیری داخلی دخالت ننموده و"

چرا مجا هدين چنین سخن میگویند ؟ اگر پاسداران صلاحیت آنرا دارند که میلیشیا ای انقلابی مجا هدين را در مبارزه علیه امیریا لیسم متجاوز آمریکا فرما ندهی کنند ، چرا ما زمان مجا هدين خلق اینگونه دوگانه و با دوروح متناقض به پاسداران بر خورد میکنند ؟ چرا ابتدا پاسداران را از کل هیات حاکمه جدا می نمایند و آنگاه مبارزه و امیریا لیستی پاسداران را از مبارزه داخلی آنها علیه نیروهای انقلابی و امیریا لیست متما یز می نمایند ؟ چرا ما زمان (م . خ . گمان میکند علیه امیریا لیسم با پاسداران باید متحد گردید ؟

بیا بیا ابتدا نظری به مفهوم عبارت ساده "درگیری داخلی" بیفکنیم . "درگیری داخلی" دو حالت دارد که در هر دو وسیع و همه جانبه ای است که در همه جای ایران میان کارگران ، دهقانان و زمینکنان انقلابی و انقلابیون از یک طرف و پاسداران ، ارتش و پادشاه های مزدور و سپاه هیات حاکمه از طرف دیگر یعنی میان خلق و هیات حاکمه جریان دارد .

و قانع ۲ ما هه اخیر بیشتر از هر وقت دیگری ما هیت پاسداران را در حراست و خدمت به هیات حاکمه و حفظ سیستم سرمایه داری وابسته نشان داده است . تقریباً در اغلب موارد با بدبنا در همه برخورد های میان نیروهای انقلابی و هیات حاکمه ، پاسداران نقش فعال را بر کوب و بکروکشتا رکنده و با بازی کرده اند آبا مواردی مثل ترکمن صحرا ، که در آن پاسداران به وحشیانه ترین شکل ممکن جنایات خود را علیه خلق انقلابی ترکمن عملی ساختند ، کوچک و نا چیزند ؟ آبا کارگران سیکار اندیمتک و درود توسط نیروشی بجز پاسداران به کلوله بسته شدند ؟

یکسال و چند ماه از جنگ عادلانه طبق کرد جهت کسب حقوق ساده و اولیه خود با هیات حاکمه میگذرد . چه کسی بجز پاسداران در این جنگها علاوه بر

ارتش جمهوری اسلامی در برابر خلق کرد بوده است و خون فرزندان دلیر خلق کرد ، زنان ، کودکان و حتی پیر مردان را در قتلها نها ، قارها ها ، سقزها و سنجها به خاک ریخته است ؟ مگر در حملات اخیر فالتنها و نیروهای سازمان داده شده ارتجاع و اعضا " حزب الله " پاسداران نیروی حمایتی فالتنها ها و عملاً نیروی فعال در کشتار دانشجویان با زت های آلمانی خود نبوده اند ؟ و سرانجام اکنون در کردستان با بیا " برادران " - ارتشی ، مگر " برادران " پاسدار نیستند که انبارهای بی بیا با کلوله و خمپاره خود را زیر چتر حمایت ملی کوپترها و فالتنها ها بر روی خلق قهرمان کرد فروریخته اند ؟ هرا نشان عاقلی که یک روزنا مبر (فقط یک شمارها مثلاً اطلاعات را) خوانده باشد ، به این امر پی خواهد دید .

اینها "درگیری های داخلی" هستند ! ولی بیا شیم بیشتر مسئله را بشکافیم . معنی و مفهوم این درگیری های داخلی چیست ؟ وقتی در بسیاری نواحی کارگران و زمینکنان ایران در برابر حکومت قرار میگیرند ، با آن می جنگند و غوشتان سنگفرشهای خیابانها را در دست مثل زمان شاه خاشن ، منتهی با ایما دوسیمتر گلگون میکنند ، چه چیزی میتوانند مگر که آنها باشد ؟ آنان که به خاطر شهادت بی هویتن به مرگ و جانبا زی نمیدهند . پس آنها بر علیه چه چیزی می جنگند ؟ این "درگیری های داخلی" که مجا هدين در آن نمی خواهند دخالت کنند (علی لظا هر بنفع هیچکدام از طرفین) برای چه وجود آمده اند ؟

کارگران اسبابا پس از قیام بهمن ماه در همان روابط سابقا سرمایه داران و دولت قرار دارند و سلطه سرمایه بر زندگی آنان ایفاء گردیده ، تورم و گرانی سرمایه آورده بی کاری میلیشیا سیستم موجود ، آنان را به زندگی منتقأ وری دچار کرده است . هرا که آکا هی کارگران و زمینکنان ، اعم از غل یا بیکار

در حدی بوده است که علل این بحران را در یافته اند و با تحمل آنان به پایان رسیده است به مبارزه بر علیه سیستم زده اند . آنها در جستجوی راه حل انقلابی برای مشکل خود هستند . و این راه حل تا بودی سیستم سرمایه داری وابسته به امیریا لیسم ، قطع کامل نفوذ امیریا لیسم در ایران میباشد . کارگران علیه سرمایه داران و دولت سرمایه داری و دولت علیه زمینداران و مالکین دست به مبارزه و حتی مبارزه قهرآمیز زده اند . کشتار خلق کرد و عدم پاسخگویی به خواستها ی آنان ، تنها و تنها در چار چوب کوشش هیات حاکمه در حفظ سیستم موجود قابل توضیح است .

زبوا هرا متنازی به یک خلق و هر زنجیری که پاره شود ، سیستم سرمایه داری وابسته به امیریا لیسم را به مخاطره می افکند . و ناگزیر توده های انقلابی هرا که دست به مبارزه زده اند با وجود عینیت و نظامی هیت حاکمه ای روبرو گردیده اند که کمربند حفظ سیستم موجود بسته است . در همه مواردی که گفتیم خط اصلی مبارزه توده ها بر علیه سیستم سرمایه داری وابسته به امیریا لیسم و خود امیریا لیسم و تا روتقا با ی امیریا لیسم همین توده های انقلابی هستند که بر علیه امیریا لیسم با ی چنان خواهند جنگید . و همین توده های انقلابی هستند که توسط هیات حاکمه سرکوب میشوند ، این مرشنان میدهد که آزادی حقیقی توده ها ، نه تنها در دفع امیریا لیسم ، نه تنها در خاک مالیدن پوزه متجاوزان - امیریا لیسم آمریکا و هرا امیریا لیسم دیگری است بلکه در نابودی سیستم سرمایه داری وابسته به امیریا لیسم میباشد . بدون نابودی سیستم سرمایه داری وابسته به امیریا لیسم خلق آزاد نمیشود . از این جهت "درگیری داخلی" درگیری میان خلق و هیات حاکمه ، میان انقلاب و ضد انقلاب است . چنین هیات حاکمه ای ، که همت خود را بر حفظ سرمایه داری وابسته به امیریا لیسم استوار کرده است همچنان خلق را زیر فشار و در بندنگاه میدارد . از ارکانهای خود اعم از ارتش ما عتد و پیردا حته دست امیریا لیسم آمریکا ، پاسداران و مزدوران غیر رسمی برای جلوگیری از توسعه انقلاب بهره می برد . مبارزه

سرکوب نیروهای انقلابی خدمت به امیریا لیسم است !



نوده ها برای نابودی سیستم موجود و مبارزه، هیا، ت حاکمه، پاسداران و ارتش آن برای حفظ سیستم موجود: این است معنی "درگیری داخلی" و ام. ج. که می بیند در این "درگیریها" پاسداران در موضع سرکوب و کشتار کننده حلقه ها و آلای اعمال فاسد نوده ای هستند. تا گریز می شود که بگوید ما در درگیریهای داخلی شرکت نمی کنیم. زیرا همکاری مجاهدین با پاسداران در درگیری های داخلی خدمت مستقیم به ضد انقلاب و نیروهای سرکوبگر خلق محسوب می شود. مجاهدین خلق بین انقلاب و ضد انقلاب کج شده اند. با وجود اینکه قتل عام قارنا ها و قتل آنان ها و کشتار همه نیروهای انقلابی (زوا جملده خود مجاهدین را) به سینه در می بندد! اما تمام توجه خود را معطوف به امپریالیسم آمریکا میکنند و نقش هیا، ت حاکمه را در خفه کردن انقلاب، نقش آنرا در حفظ سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم، و نقش این سیستم را در حفظ سرمایه امپریالیسم نمی بینند. آنها به صرف وجود اختلافی جزئی میان هیا، ت حاکمه و امپریالیسم آمریکا، نقش آنان را در حفظ سیستم سرمایه داری وابسته به فراموشی سپرده و ما هیت مد انقلابی آنرا از چشم نهاده ها می پویند. آنها گمان می کنند که واقعا میتوان سیستم ظالمانه و ضد خلقی کنونی را حفظ کرد و به همین حال با امپریالیسم نفادی عمیق داشت. باید یاد داشت که مبارزه با امپریالیسم از مبارزه برای نابودی سیستم سرمایه داری وابسته جدا نیست و این درگیریهای داخلی انعکاس هر دو مبارزه است. اما مجاهدین خلق ترجیح میدهند که نگویند چرا در این درگیریها شرکت نمی کنند و ما هیت این درگیری ها چیست گمان بر این می بینیم که مجاهدین، در حالیکه با انقلاب به سر حرکت میکنند، به ضد انقلاب، به هیا، ت حاکمه نیز می نگرند. آنها با افکار توپیک خود پیرامون انقلاب و مبارزه ضد امپریالیسم گزیریه این نتیجه نیز می رسد. خود بورژوازی دمکرات، با چنان خود همه، حرکات ضد انقلابی پاسداران را می بیند (و در سرانجام، خودخواها را بهاد ارشی خلقی میسود که بر اساس شورا ها برآورد) ولی چون تزلزل دروسی خود میسوزاند پاسخ دهد، در گرداب همکاری با آن می غلطد.

میلیشیا ی انقلابی مجاهدین که علی لقا عده با یدیک ستون زارتن انقلابی نوده ای به حساب آید، به یک نیروی جنبی و تحت فرماندهی پاسداران تقلیل می یابد. تزلزل دمکراتهای انقلابی در برخورد با هیا، ت حاکمه، چنین نمودار میشود. ولی اگر حتی استدلال ما برای این دمکراتهای انقلابی که یکروز مصرا نه بر روی منافع خلق پسای میفتارند و یکروز به ورطه سازش می غلطند، قانع کننده نباشد. استدلال سپاه پاسداران انقلاب اسلامی باید برای آنها کافی باشد (تا به هوش آیند!) ارتجاع به این سازش راضی نمیشود. هیا، ت حاکمه که اصلی مبارزه ضد امپریالیسم است و هاست مجاهدین را به نندیدترین لحن ممکنه پاسخ میدهد. و پیشنهادها را عملا رد میکند. مگر آنکه "در درگیری های داخلی.... هم همراه پاسداران شرکت کنند. مگر آنکه بپذیرند پاسداران از این نیروی انقلابی هستند (هم در داخل هم در خارج). آنها که به تزلزل مجاهدین پی برده اند با اطلاعیه خود میخوانند که از این تزلزل رای بکسره کنند. اطلاعیه سپاه پاسداران در پیشتنها دمجا همدین میگوید:

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در گذشته از دیدگاه این گروه یازوی نظامی ارتجاع بوده است! در پیشگاه امام و امت مسلمان ایران مفتخر است که ملاحیت انقلابی خویش را در عملگردهای مکتبی برادران پاسدار بدست آورد و است و....

با مداخله ۱۳ اردیبهشت ص ۹

اولین بهره برداری سپاه پاسداران از پیشتنها دخیروخا هاست مجاهدین: می بیند ای مردم، ما انقلابی هستیم! و حالما همدین که قبلا "به ما تهمت های زده اند، ما را نه تنها انقلابی می دانند بلکه عملا پیشتنها دمکراتی رهبری نیروی نظامی تا زرا به ما میدهند! آنها ما را تظهِیر می کنند! ما (سپاه) به مجاهدین یاد آوری میکنند که چرا ما هیت آنها را فراموش کرده اند؟ مگر میشود ما با روی نظامی ارتجاع با هم متحد مجاهدین؟

پاسداران که نقش خود را در سرکوب داخلی میدادند از اینها مو پسرد و پوئی مجاهدین در عبارت "درگیری های داخلی" نهایت بهره برداری کرده و با صراحت نظر خود را بر آن سوار کرده اند. آنها که پی برده اند

مجا همدین چرا؟ تا اعلام ما هیت مبارزات نوده ها را از خود سلب کرده اند، و در شرایط حاضر آنرا جدا از ما میرسایسیم، جدا از منافع و آزادی حقیقی خلق آریا بی میکنند، انواع تهمت ها را به نیروهای انقلابی و خلق های مبارز ایران می بندند. سپاه پاسداران دشمنی خود را با انقلاب صراحتا اعلام میکند. مبارزات خلق کرد، ترکمن و.... را در خدمت امپریالیسم می بیند. مد "درگیری داخلی" را جزئی از درگیری با امپریالیسم و ضد انقلاب معرفی میکنند و سر تا پا خود را در اطلاعیه مجاهدین غسل می دهد. مجاهدین خلق، پیشتنها دمکاری با ضد انقلاب را میدهند. سپاه پاسداران قاطعیت ضد انقلابی به خرج میدهد. اما مجاهدین تزلزل سازکارانسه خود را بوضوح بنمایش می گذارند. اطلاعیه پاسداران می گرد و جلومیا ی، اطلاعیه مجاهدین ناله سر می دهد و عقب نشینی میکند. بیستید پاسداران قدر خوب از نقطه نظر خود "در گیری های داخلی" را تفسیر میکنند و توضیح میدهند:

"با زما مجاهدین خلق که کوشی از اغتشاشات عوامل مزدور آمریکا در کردستان و خوزستان و ترکمن صحرا و دیگر نقاط و شهرهای ایران هیچگونه اطلاعی ندار و دفاد کاری و جانپاری برادران پاسدار ما را در گوشه و کنار ایران در سربدها دشمنان انقلاب اسلامی فراموش میکنند و در اطلاعیه خود میگویند: "بدیهی است اعفاء ما در هیچ در گیری داخلی دخالت ننموده و...." و تذکر ما را بعد از تاجا وز آمریکا نادیده میگیرند که فرمودند: من اخیرا با بدت کرد هم که قضا یای کردستان که گروه های چپا آمریکا بی و مخالف با اسلام و آشوبگر برحاسته اند و قضا یای دانشگاهها که گروه های چپا آمریکا شیدران مکانهای مقدس دست به آشوب زدند و آشوبهای دولت غیر قانونی عراق در مرزهای ایران با حمله کارشود و دخالت نظامی در ایران رابطه ملموس دارد...."

با مداخله ۱۳ اردیبهشت ص ۹

از نظر پاسداران کسانیکه در کردستان، ترکمن صحرا و هر جای دیگر به خاطر حقوق اساسی خود مبارزه می کنند، کارگران، دهقانان و زحمت گران مبارز شهر، همه، انقلابیون عوامل آمریکا هستند و از نظر پاسداران مجاهدین پیسوده میگویند آمریکا فقط در تحت ورتظامی خود

واقعیت دارد: مجاهدین باید در این مورد نیز با ما (یعنی پاسداران) باشند و تا پید کنند که این مبارزات پاسداران هم علیه آمریکا است و گرنه در خط اسلام و انقلاب اسلامی نیستند. میلیشیا ایما همدین نمیتواند با پاسداران علیه امپریالیسم بجنگد و از درگیری داخلی معذور باشد زیرا از نظر پاسداران درگیری داخلی همانند درگیری با امپریالیسم و ایادی آنست که خلق ایران باشد. آیا با زما مجاهدین حرفی برآورد خواهند داشت؟ پاسداران در واقع پیشتنها دمجا همدین را رد میکنند. هیا، ت حاکمه مجاهدین را سر برآه، مطیع و در خدمت مستقیم در "داخل" میخواند، و مجاهدین که در این مورد تردید به خود راه داده اند، شرمگین و خجل بر سر دوراهی نزدیکی به ضد انقلاب و یا فشردن صف انقلاب ایستاده اند. چنین است که پاسداران حتی از پیشتنها دمجا همدین تعجب هم کرده اند زیرا با ورنمی کنند نیروی انقلابی آنرا را تظهِیر نماید. و به این خاطر در اطلاعیه خود میگویند: "علی رغم تمام تهمت ها و افترا ها شیکما زما مجاهدین خلق از آغاز تشکیل سپاه پاسداران به این ارگان انقلابی که بفرموده و رهبری امام خمینی شکل گرفته بود زده است در رسانه ها و گروهی مناهده نمودیم که مجاهدین خلق به اصطلاح میلیشیا ی خود را در رابطه با تاجا وز آمریکا در اغتیار با پاسداران انقلاب اسلامی قرار داده است!"

علی رغم اینکه پاسداران بر علیه خلق حرکت میکنند، مجاهدین نیروی خود را در اختیار آنها قرار میدهند. واقعا "برای ارتجاعی و تعجب هم دارد!"

مجا همدین بدون توجه به ما هیت طبقاتی ارتش و پاسداران، بدون توجه به این که چه کسان این نیروها را رهبری می کنند و در چه جهت از آن استفاده میکند بطور مجرد و در عوامل تمخیل نیروی نظامی خود را در اختیار آن قرار میدهند. در حقیقت اساسی ترین مسئله در مورد این نیروهای نظامی دولت را که همانا حفاظت و نگا هدار سیستم موجود و خدمت به هیا، ت حاکمه است از چشم می اندازند. گمان میکنند بر علیه امپریالیسم میتوان با پاسداران متحد و فکر نمی کنند که این پاسداران توسط دولتی رهبری می شوند که خود به منافع و با زتنها امپریالیسمش در داده است که



اطلاعیه وحدت

در تلاشهایی که مدت‌هاست برای وحدت در جنبش کمونیستی از سوی نیروهای مختلف درون آن دنبال می‌گردد، تحلیل‌ها و طرح‌هایی مختلفی ارائه داده شده و می‌شود. کنفرانس وحدت که بلافاصله بعد از میام بهمن ۷۷ تشکیل شد در طول یک سال فعالیت خود کارهای بررسی این تحلیل‌ها و طرح‌ها بود. اما آنچه در طول کنفرانس بندریج و در پایان کار آن بوضوح معلوم گشت وجود گرایش‌های مختلف ایدئولوژیک و تحلیلی‌های مختلف شوریک در برخورد به مسائل مختلف مبارزه طبقاتی بود که از قسری از طرح‌های مختلف جلوه می‌کرد. مرز بندی‌های درون کنفرانس ابتدا بر اساس طرفداری یا مخالفت با این یا آن "طرح وحدت" موجود آمده بود. سیاست‌های خود را به مرز بندی‌های ایدئولوژیک و شوریک می‌سازید که طرح وحدت در درجه اول در محدوده آن گروه‌هایی که در یک واحد قرار می‌گرفتند جایگاه

واقعی خود را پیدا می‌کرد. این دستاورد کنفرانس برای نیامی گروه‌های شرکت کننده در آن اهمیتی یکسان نداشت. ضرورت شرکت هر چه فعال‌تر و متمرکز تر و درون تر در مبارزات طبقاتی پرولتاریا و جنبش انقلابی توده‌های مردم تأثیرات متفاوتی در تشخیص راه حل مسئله وحدت می‌گذارد. برای عده‌ای این ضرورت، تشریح ادغام گروه‌ها بر اساس عمیق‌ترین وجوه مشترک موجود آنها را گوشزد می‌کرد و برای عده‌ای دیگر تشریح مبارزه ایدئولوژیک، مشخص نمودن خطوط منجم ایدئولوژیک-شوریک و وحدت بر این اساس

مورد نظر خود را دنبال کردند. اما در همین حال در طول مباحثی که غیر از طرح‌های وحدت در مورد برخورد به مسائل مختلف مبارزه طبقاتی در جامعه صورت گرفت دوری و نزدیکی گروه‌های مختلف شرکت کننده در آن نیز تا حدودی روشن شده بود. ما با اعتقاد به لزوم تسریع مبارزه ایدئولوژیک و روشن نمودن خطوط هر چه روشن‌تر و یکپارچه‌تر، و نیز در اثر وجود وحدت نظر در مباحث مختلف جاری در کنفرانس و خارج آن، کوشش‌های متقابل برای روشن نمودن امکانات وحدت را بصورتی جدید دنبال کردیم. پس از بحث‌ها و برخوردهای لازم برای روشن نمودن نمودن وجوه اشتراک و اختلاف نظر و طرح انتقادات و کمبودها و بررسی طرح‌های آینده برای فعالت، با وحدت بر روی برنامه

مباحثی اساسی و روش حل مسائل درون تشکیلاتی، امکان و تریایست وحدت اصولی فراهم آمد. به این ترتیب ما تصمیم گرفتیم که فعالیت خود را در یک تشکیلات واحد ادامه دهیم تا با کیفیت‌تری بهتر و با ابعاد گسترده‌تر در عرصه‌های مختلف مبارزه طبقاتی پرولتاریا و جنبش انقلابی توده‌های مردم مبارزه کنیم "تشکیلات واحد مبارزه سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر خواهد بود". برای ما این وحدت وظایف بزرگ‌تر و خطرناک‌تری را در پیگیری مبارزه ایدئولوژیک در سازمان‌دهی و هدایت مبارزات توده‌ها و در طبقه، برسم جنبش کمونیستی یعنی ایجاد حزب طبقه کارگر، تعیین مینا می‌د.

زنده باد مارکسیسم - لنینیسم!
پیش بوی وحدت جنبش کمونیستی!
پیش بوی ایجاد حزب طبقه کارگر!
کمیته خبره سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر
۵۹/۲/۱۷

سرمقاله سه از صفحه ۴

کمیت خرد بورژوازی را در یک سال برای معالجه رقیب خود در حکومت هرگز نمی‌تواند چشم انداز همکاری بین جناح بورژوازی و غیره بورژوازی را در یک سال رادیکال باشد. سیاست‌ها و هدف‌های آن‌ها

بهیچوجه در زمینه راه انداختن و اداره امور کشور با هم سازگار نمی‌باشد. اینکه بورژوازی و خرده بورژوازی را در یک سال هر دو سیاست‌های خرده بورژوازی مرفه‌نشی در رنج و عذاب و از این لحاظ نوسانی

وحدت در مقابل با خرده بورژوازی سستی مرفه دارند، بهیچوجه نمی‌توانند در دوره‌های همکاری بین این دو با آن‌ها تفاهات‌هایی که در میان نشان هست شمع باشد. بنظر ما، حکومت، بلوک سیاسی

حاکم درین بست سختی گرفتار شده است. هر دو جناح حکومت مترصد بهترین فرصت برای قبضه کامل قدرت می‌باشند. هر دو جناح در همین وحدت برای حل نسبی تضاد خود بقیه در صفحه ۱۲ مجبور به این کار هستند.

میلیشهای انقلابی...

جای میرزا لیم، توده‌ها را هدف نهر خود قرار داده است. نهیدن موزهای انقلاب و ضد انقلاب، عسکرم تساخت نیروهای که در مبارزه با امپریالیسم پیدا آنها متحد شدند و یک ارتش انقلابی توده‌ای واقعی بوجود آورد. وجود سوسان و دید خرده بورژوازی نسبت به حکومت، آنها را تا آسان‌سازی آگاهی را رسوخ داده است. و در این لحظه ضد انقلاب به آنها پاسخ می‌دهد: با هیچ‌یک هم چیز! بی‌ارتیام تا کمون، روز بروز عدم فاطمت در مجاهدین خنثی خود را نشان داده است. حکومت به دانشجویان انقلابی حمله می‌کند و مجاهدین سکوت می‌کند! هیچ هم کاری برای ضد انقلابیون نمی‌رساند! حکومت به دعاتر سیاسی خود حمله می‌کند و مجاهدین بی‌ار حکومت محو! همدل و این حمله را می‌کند؟! حکومت به کردستان نکرکس می‌کند و مجاهدین از طرف دیگر در استان محو! همدل

نگینند!! این است تزلزل و نوسان فلج کننده مجاهدین خلق و اینست دمکراتیسم مبتذل، تا پیگیر سواز. شکارانه آنها! آریوشتی! زمردم و "شوراهای مردمی" با خوارت مخفی گفتن و آویوشتی دیگر با دشمنان - مردم و "شوراهای مردمی" مذاکره کردن و متحد شدن!! در فرمانده کل قوا، یعنی مدراجی خود را جستجو کردن و هواداران خود را در برابر جمله همه جانبه ارتجاع به انقلاب آرام نگاه داشتن!

چنان‌که توریته خود را بر جنبش اعمال کند که نیروهای دمکرات انقلابی راه خود را در مبارزه دریا بندو تا این حد چاروشوان نشوند. در شرا - بطر "جنبش انقلابی ایران" می‌گذرد. این سازمان پرولتاری و خود را در دوپوسته مکان و رشد به تشریف در کرایشات سازش کارا به و تظهِیر ضد انقلاب در دمکرات‌های انقلابی بروز می‌کند. آنها به دیپلماتی بورژوازی و راجل‌های مسالمت جویانه می‌اندیشند و جنبه حرکت ضد انقلابی تندیه‌ها، تا حاکم می‌توانند آنها را تکان دهد، با مبارزه وسیع توده‌ها! کمونیست‌ها وظیفه دارند این تزلزل و نوسان مجاهدین را به توده‌های هواداران توضیح دهند و توضیح دهند که چگونه این "مردم‌گرایان" در لحظات حساس، روشنی پرولتاریا بیست پیش جنبش می‌باشد به اینگونه عقب نشینی‌ها دست می‌زنند! باید به آن‌ها توضیح داد که نیروهای حقیقی

انقلاب در میان توده‌های مردم در میان خلق یعنی کارگران و زحمت کشان شهروده هستند. و باید به آنها نشان داد که تنها طبقه کارگر و حزب بی‌پشتا هتک آنست که می‌تواند به معنی کامل کلمه خواستهای دمکراتیک آنها را برآورده سازد. و به کارگران نباید سوخت که بر توده‌های این دمکرات‌ها را در عمل ببینند و ببینند که چگونه روحیه خیرد بورژوازی مجاهدین را به توان می‌کشد و دموکراتی سیاست پرولتاری و دمکراتیسم خرده بورژوازی را دقیقاً با دید برای کارگران توضیح داد. و آنها را از توهمات خرده بورژوازی که از طریق مجاهدین را مثال بر توده‌های تحویل میلیشیا به ساداران در ذهن توده‌ها ایجاد می‌شود، رها نید ما به این وسیله به همه هواداران و اعضا مجاهدین نسبت به سیاست آنها در قبال لاجریات سیاسی اخیر شان در مدیسم و این حرکت مجاهدین را کامی در مقابل کیری را انقلاب بنما ر می‌آورم.

پیروز باد مقاومت...

صفحه ۱۰

رسیده اند. سنج در محاصره نظامی و اقتصادی حکومت قرار دارد. توپخانه و حمیاه اسلحه های ارتش جمهوری اسلامی و کلوله بسیاران کردن شهر توسط پاسداران امری غایبی شده است و سانه احبار مردم با شیوه های دفاع در مقابل حمیاه ها و توپخانه ها و از این راه با پناه بردن به زیر زمینها و پناه اجتماع نکردن در حیاتها و آنها میزان تلفات را به گونه ای کم کرده اند. کسانی که از شهر خارج شده اند در راه های بین شهرها (مثلا بین سبز، بوکان) به رگبار هلی کوپترها بسته شده اند و پناهی دستگیر گردیده اند.

اما خلق کرد، قهرمانان نه و چون تنی نیرومند در مقابل این مانعین نظامی متجاوز و خونخوار ایستادگی میکنند. نیرومندی دولتی تلفات زیادی دیده اند. روحیه سربازان در بعضی از پادگانها برپا ن دولت تقویت کرده است. پشمرگان با حملات مداوم خود و دفاع قهرمانانه از مواضع خود لطفه ای آرامش و خواب بر سر پایداران و نیروهای ارتش نگذاشته اند. خلق کرد، متحد و یکپارچه از مدافعان دلیر خود، از پشمرگان حمایت و پشتیبانی میکند و عملاً همه خلق سر علیه ارتش متجاوز سیج شده است.

حکومت با سربازان توسط فانتوم، حمیاه های آتش زار، تحریب خانه ها و راهپایا و... خوبی نشان داده است که دست کمی از سربازان آمریکایی و مزدور وینامی، در کشتار خلق و وینام ندارد. حکومت که گمان میکرد در همار هفته اول میتواند کردستان را با خاک یکسان کند و خلق کرد را با خیال خود مصع و آرام نماید اکنون با حقیقت دیگری روبرو شده است. دوربرد دومین شکست برتریان.

رس و پاسداران همه راههای در و ده سد را بسته اند. زخمیه ها و شهدا در گونه و کتار حیات با پناه متاده اند مکانی برای مداوای

زخمی ها وجود ندارد. اما صبره اقتصادی شدید، کمبود نفت، گندم و حتی آب، کمبود دارو و دکنسر برای مداوای زخمی ها و بیماران همه و همه هیچکس کوچکترین خللی در اراده، انقلابی خلق کرد نیست به ایستادگی در مقابل تهاجم و حشیانه ارتش و پاسداران وارد نکرده است. خلق کرد، نیروی خواسته های خود، قهرمانان ایستادگی میکند. و هر چه ارتش و پاسداران بیشتر درگیر این جنگ ظالمانه بر علیه خلق کرد میگردد، بیشتر با عمق و ابعد جنبش انقلابی کردستان روبرو میشوند.

دولت، که هم اکنون دچار بحران همه جانبه اقتصادی و سیاسی میباشد، برای برآوردن اندازی چرخهای اقتصادی سرمایه داری وابسته، ناگزیر است که در جهت استقرار امنیت مطلوب خود که همان امنیت سرمایه داری است عمل کند از این روشها و ترفندها و انقلابیون و در آستانها خلق کرد و کمونیستها را در دستور کار خود قرار داده است. حکومت که نمیتواند بدون آزاد شدن از دست بحران سیاسی و مبارزه طبقاتی جاری، اوضاع اقتصادی خود و بحران عمیق موجود را تخفیف دهد، اساساً به شیوه کشتار و سرکوب در راه بطفه با خلق ایران متوسل گشته و در همه جا این تاکتیک را پیاده میکند.

حکومت به این خاطر است که حتی تحمل روز آتش بس را نیز نمیکند، کومله (سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان)، سازمان چریکهای فدایی خلق (شاخه کردستان) و دمکراتها با اقدامات و اعلام آتش بس حکومت، بطور متقابل اعلام آتش بس نمودند. ولی حکومت که خود را زیر فشار تدبیر سیاسی و تهدید دائمی مبارزه نوده های زحمتکش کرد میباید، از همان لحظه تها و زو کشتار را دوباره شروع کرد. حکومت بخوشی در پناه گرفته کردستان به کورستان ارتش و پاسداران تبدیل شده است

تلفات سنگین ارتش، پیوسته بسیاری از سربازان به خلق کرد، و فرار سربازان اعزامی از پادگانها، بیش از پیش به تضعیف حکومت دامن میزند. اگر چه رهبران جمهوری به مردم مرتباً توصیه میکنند که ارتش را تضعیف نکنند تا با روحیه بتوانند در کردستان به کشتار سیراز دولتی و اقلیت میسارزه انقلابی تدریجاً در مصوب نظام میان سیزم ممکن شده و در میان سربازان در جبهه داران سادیده اعتراض و فرار و ترک خدمت منجر گردیده است.

ارتش که میخواست خود را در خون خلق کرد، غلغل و دهنده یک ارگان کاملاً انقلابی، او اسلحه تبدیل کند، روز بروز بیشتر در معرض سوطن توده ها قرار میگیرد. اگر حکومت سعی میکند با سرکوب کذاشتن بر همه اعتراضات سربازان و کادریهای پایین ارتش، با پنهان کردن شکست های خود در کردستان و تلفاتی که از خلق فرمان کرده آن وارد شده است، حیثیت ارتش را نجات دهد.

اما جریانات اخیر مربوط به تها و نظامی آمریکا، و تقسیم جناحی ارضیات حاکمه و ارتش در این تها و زو کم و همراهی با امپریالیسم آمریکا، ارتش را مستقیماً مورد سوطن توده ها قرار داده است. اینک بیش از هر زمانی معلوم شده است که ارتش (و سایر قوای نظامی) در واقع برای سرکوب خلقها و کشتار توده ها ترویج شده اند، نه برای دفاع خدا مهربان نیست!!

مبارزه خلق کرد، مقاومت دلیرانه در مقابل این ارتش و دفاع همه کمونیستها از خلق کرد، ماهیت پوخلی این ارتش را، مثل همه ارتش های فدا خلقی دیگر به نمایش گذاشته است. در این موقعیت دولت بیش از هر زمان دیگری سعی میکند در صفوف خلق کرد تفرقه بیندازد. و دشمنان خلق همگی از حزب توده گرفته تا حزب رنجبران و حکومت انواع آنها را به پشمرگان انقلابی کردستان، علی الخصوص فاطمترین و سازشناپذیرترین نیروی کردستان یعنی کومله میزنند. آنها مدارک جعلی مبنی بر همکاری آمریکا با خلق مبارز کرد و رهبران

اصلی آن منتشر میکنند: در حالیکه ارتش همکار آمریکا کردستان را با فانتوم های آمریکایی و هلی کوپترهای کبری و ژ-۲ هسای آلمانی به آتش کشیده اند، آنها ادعا میکنند که مردم کردستان در جنگ شرکت ندارند و این اوپاش و اراذل هستند که جنگ میکنند: در حالیکه از کودکان کوچک کرد تا پیر مرده ها به قتلها و کشتارهای مردان دلیر و زحمتکش کردستان از جازان گذشته کردستان در مقابل با ارتش شرکت دارند. اگر چنین نیست پس چرا ارتش به میساران سنج و بوکان و سقز میبرد از چرا یک شهر را با کتین آن زیر بمب به آتش میکشد و چرا نمیتواند این چند نفر "اوپاش" را با اینهمه توپ و تانک، اینهمه ارتش، پاسدار، جاسوس و به اصطلاح پشمرگان مصلحان کرد با همان ساواکیهای سابق و عوامل فئودالها و... بجای خود نشانند!

حزب توده ایران که پرونده خیانت و دشمنی او با زحمتکشان ایران جای بازگویی ندارد. این جاسوسان و مزدوران "ک.ک.ب." وانمود میکنند که کومله و مبارزین کردستان با موباد و پاسا (اسا) شل و... تها دارند، اما مثل حزب بعث هستند و از این قبیل! این مدافعان خلخال جلا، این دشمنان طراز نوین طبقه کارگر، همدا با دولت، با حزب رنجبران و با مرتجع دیگری که علیه کومله، علیه خلق کرد فتوایی صادر کرده است، بهانک بر میدارد که در کردستان آمریکا اغتشاش بر راه انداخته! البته اینطور است! این آمریکا، همان ارتش جمهوری اسلامی است! همان سیاست کلی هیات حاکمه در سرکوب است که مستقیم و غیر مستقیم در جهت منافع امپریالیسم نیز میباشد. همان آزاد کردن و یکارگما شدن ساواکیها و ژنرالهای آمریکایی زمان شاه در کشتار خلق کرد است!

این کوششها و تهمتها که عمدتاً بر علیه کومله است نوعی عملی ناتوانی حکومت و همه نیروهای فدا انقلابی را در مقابل با خلق کرد نشان میدهد. حکومت میخواهد (و فعلاً نیز خواسته است) که با حمله به سازشناپذیرترین نیروی

اتحاد پولادین کارگران و زحمتکشان، نظام پوسیده

بقیه از صفحه ۱

جمهوری

"رئیس جمهوری کارگران، دهقانان و زحمتکشان" به دستور یا سیاست رسانده است. باید سرمایه داری در تمام تاریخ حاکمیت خود به این صراحت مردم فریب نبوده باشد. مسلحانی که سرمایه داری در آن دست و پا میزند و حکمی که تاریخ بر سر بیانی آن زده است، آنچنان آنرا و فتح نموده که انگار در اثر این بیعی که دستور قتل و عام خلق کرد را مار کرده است و از زمین و هوا زحمتکشان کردستان را آماج گلوله های مدزشتترین سلاحهای خود قرار داده است و در شرایطی که بر سر همه کاسونهای دین و نیک تنها جملات مسلحانه اش را غنی نموده، و در شرایطی که آنفلانیزم را به "جرم" رسوای "فدا انقلاب" در دادگاههای شریعی گلوله باران میکند، و در شرایطی که گران، بیکاری از هر سوبه زحمتکشان متار می آورد و در شرایطی که در کارخانه ها و مسازار به حقوق زحمتکشان هجوم می آورد، و در شرایطی که... از تاریخ شهادت میخواهد که به جمهوری نشان "جمهوری زحمتکشان" بگوید و شخصی ایشان را هم رئیس جمهور "کارگران، دهقانان و زحمتکشان" بداند.

بمنظر غیر سداقای بنی سید در دیپلماتی را در دامن سوز و آزی فراسه خوب آموخته باشد، به همین اعتبار هم از بهترین امیدهای سوز و آزی ایران است. او هم مانند خطباء انقلاب مراغه بدولتاشی در ایران دنگ دارد. اما اگر انسان خطابه هایشان به صورت تاریخ روشنگر افکار و رتبه ها بود به سیاست آقای بنی صدر برای تاریکی اندیشه ها شان و برای فریب آنها، سدا و سیمو، است برای نگا مثل سرمایه داری در اروپا عنصر خوبی باشد اگر مدتی دیر به عرصه سیاست نمیگذاشت. مثلاً اگر ۲۵ سال پیش بدین آئمه بودنا به میخواستیم که مستی درنگا مثل تاریخ سرمایه داری بردارد، در آن روزگار آن سرمایه داران توده های دهقان و کارگران را به همراه میوشت

داشتند و به آن وعده های بسیار میدادند. آنها به کارگران وعده آزادی، برابری و برادری در تحت حاکمیت سرمایه میدادند. آنها هم با سداقای بنی صدر حکومتشان را حکومت تمام مردم میدانستند. اما تاریخ قربانیهای زیادی دارد. سردها ریخته شود. نسیم را که قربانی کرده هیچ سرمایه داران را نیز در قربانی میکند. و به کارگران و دهقانان گفته است که حکومت سرمایه داران اصلاً حکومت شما نیست، شما حقوقتان را با آنها سرمایه داری میتوانید بدست آورید و آن نیز از قضا این حکم تاریخ را پذیرفته اند. تحقق آن تمام صفحات تاریخ حیات سرمایه داری را خونین کرده اند. اما آقای بنی صدر بنفش نیست این حکم تاریخ را بهمدون تلاش دارد کارگران و دهقانان و زحمتکشان را به زیرمهمیز حکومت خود بکشد. او وقتی بهرای زحمتکشان حرف میزند مجبور است با زبان درازش خون زحمتکشان را از دستایش لیس بزند تا مبادا زحمتکشان ببینند و رسواایش بسال بکیرد. او به کارگران میگوید "کارگران عزیز، امروز استقرار ایران به نیروی کار و با زوان تو انای شما بسته است، تولید را از پیش پای تولید بردارید" ولی کاری به کارفرما نداشته باشد، کاری به جوانین کار نداشته باشد، گساری بنوخ از اراق نداشته باشد و الا سمنوان خدا انقلاب سرکوبتان میکنم ولی در عوض خیالتان جمع باشد که حکومت ما "حکومت زحمتکشان" است. او به برادران کرد خود میگوید: "برادران کردمن، بدانید که ما هیچ قصدی نداریم" اگر کردستان را به باران میکنیم. اگر خلق کرد را از کود و پیر قتل عام میکنیم. اگر قاربا و قه لاتسان را در خون فرو میمانیم. اگر کردستان را معا صره اقتصاد می کنیم میخواستیم مردم آن سامان آب خوش از گلو فرو ببرند" و "به آمال و آرزویشان برسند، میخواهیم ۱۵۰۰ توطه را برهم رنیم". این نورا های دهقانی، مسادریه املاک زمین داران، جنم سلاح

عوامل بعضی بیرون راندن قیله ده موقت، خلع سلاح ارتش شاهنشاهی، نه اینها همه "توطئه" بوده است، نه اینها به اراده خلق کردند و نه است که خوش را با سداقای بنی صدر کرده است، نه اینها هم "توطئه" است و "ما میخواهیم به جراحات شما مرهم بگذاریم و دردهای شما را درمان کنیم". آقای بنی صدر استعداد عجیبی در کشف توطئه دارد. "سرعت توطئه ها را در دناشگاه در کارخانه ها، در مزارع، در کردستان و در ترکمن صحرا کشف میکند و "سبازان و پاسباران دلبران با جان بازی و شامت و شجاعت بی نظیری" آماده اند تا این "توطئه ها را درهم شکنند" این "توطئه گران" آقای بنی صدر معمولاً با دهقانان ترکمن صحرا هستند یا دانشجویان انقلابی و مبارزان دنیا بینکاران هستند یا زحمتکشان در دوا ندهمک، یا کارگران کارخانه ها هستند که بر علیه حکومتشان که بقول ایشان "جمهوری زحمتکشان" است توطئه می نمایند و مرکز این توطئه گران هم قلب زحمتکشان کردستان است که "در گذشته تاریخی، تحت فشار انواع تضیقات" بوده اند و اصلاً کاخ سفید در سنج واقع شده است و از همین روست که استن بسالا زده اند تا بقیمت قتل عام کردستان این "مرکز توطئه ها بر ضد جمهوری اسلامی" را از زمین ببرند. اما علی رغم استمدادهای زیادی که در کشف این "توطئه های وسیع" از خود نشان داده است، معلوم نیست چرا وقتی آمریکا میخواهد در ایران نیرو پیدا کند و ۵۰۰۰۰ کیلو متر در خاک ایران پیشروی میکند قسمت عملیات ستاد نیروی هوایی ارتش مورد اعتماد اسلامیشان از مسئولین طی تلفنگرامی باشماره ۸ - ۷/۲۵ - ۱۳۰۲ میخواهند ۵۹/۲/۴ "تمام آتش بارها و توپ های زمین به هوای مسقر در خط پرواز بیگانه ها و باندها را جمع کنید" (۱) بسالا را دارا به بل سرکه منطقه مورد نظر را میبواند تحت پوشش خود داشته باشد یک هفته قبل از واقعه حرات میشود با پرسنل دفاع ضد هوایی متهد را جدور و رفسل از اتفاق بد مرخصی مرستاده اند

و با استناد و مدارک توطئه را بمباران میکنند، البته آقای بنی صدر معتقدند اینها هیچکدام مهم نیست و به مردم توصیه مینماید که "شما خواهان برادران من مطمئن باشید که ما بیدار و مراقب هستیم. شما از ارتش جمهوری اسلامی خیانت نخواهید دید..... هیچ علامتی از سواطن اظهار نکنید. اما با هیئت حاکمه موجود ایران بر قدرت توهم توده ها هر چند لرزان است و راست آن به اعلا درجه ممکن از این کمان نادرست توده ها بهره میگیرند، آنچنان جا روجتالی بمسدد سراسم گوناگون مذهبی، تطبیق و سخنرانی های متعدد بر اه انداخته اند که مجالس برای بخشش وسیعی از توده ها نگذاشته اند تا پیرونده ۱۵ ماهان را مرور کنند. اما این را نیز در افتادند که این توهم چیزی ابدی نخواهد بود طی دوران کوتاه حکومتشان حمایت بخشهای قابل توجهی از مردم را از دست داده اند و دیگر برای برقراری هر راهبیمایی روزها تبلیغ میکند و فتوی صادر میکنند و تحمن ها و اعضایات حرام همه آنها پایا نیافته است بلکه گسترش نیز پیدا کرده است. و از همین روست که تلاش زیادی برای استحکام ارتش و پاسداران دارند سمنون مبارک با دهای آغاز سال همه سران شان گویای این حقیقت بود. آقای بنی صدر از برجسته ترین چهره های هیئت حاکمه است که همواره در سخنرانیهایش این هر دو جنبه را عیان میسازد از یکسوا انواع حیل های ممکن میکوشد تا اعتماد توده ها را بخود جلب کند. ایران را ایران زحمتکشان، کارگران، مینا مدنا جمهوری شان را جمهوری زحمتکشان میگذارد به زحمتکشان سفارش میکند "شما اعتماد کنید موانع رند و پیرفت را از پیش پا بر میداریم" از سوی دیگر سر جماعتش را از گوشه قیایش نشان میدهد که "با دیدن شما موربشتر با تدور رهبری کشور در زمانهای صلح و آمیختی خود کامیبت وسیع پیدا کند. تا این نیروها از یک رهبری نوی پیروی نکنند و تمام توطئه های دشمن را درهم

سرمایه داری وابسته را درهم خواهد کوبید!

بقیه از صفحه ۱۱

نکنند... ارتشی که انجام خود را از دست داده بود. دوباره انجام خود را بدست آورد.
اما توده ها شیکه خود را انجام ارتش را از بین برده بودند آیا به انجام دوباره آن تن خواهند داد؟ آیا آن "بی اعتمادی و سو" ط "خود را از ارتش باز پس خواهند گرفت؟ آیا آنها میتوانند بهای کلانی که طی ۲۵ سال برای انجام ارتش با خون دلیرترین

فرزندان خود پرداخته اند را موثر کنند؟ واقعیت اینست که حکومت جمهوری اسلامی هر چند شایسته برادری برای ارتش صادر شده است نشان نمیدهد. سربازی و پاسداری که در قلب جنگ گردستان به آغوش خلق خود بر میگردد و خلبانی که با ما موریت میباران خود را انجام میدهد و با چتر نجات میباران زحمتکاران سقز پائین میاید نیوز اینرا نشان نمیدهد.
واقعیت بحران اقتصادی اجتماعی جا معه خیلی بعید مینماید

با نطق و خطابه های رنگینسی در اوصاف زحمتکاران فروکش کنند، نیروهای نظامی همیاری مقابلیه با آن را ندارند. تورم، بیکاری گزانی، فقر، ستم ملی، بی فرهنگی لانه متعفن بوروکراسی و هزاران نمود دیگر واقعیت های تلخی هستند که سرمایه داری وابسته که خود موجب آنست یا رای حل آن را ندارد با بدجا معه دگرگون شود باید ماسا ساجتماعی و از گونه شود. و آقای بنی صدر فقط میتواند با خطابه های پر آب و تاب و نیروهای

نظامی منجمشان این "زایش درناک" (۳) را طو لانی تر و خونین تر کنند. اما تاریخ روایت میکند که زحمتکاران را از آن گریزی نیست.



- (۱) - بنقل از مجاهد ۵۵
- (۲) - کلیه مطالب داخل گیومه از سخنرانی بنی صدر استخراج شده است.
- (۳) - تعبیر ما رکن است.

سرمقاله...

بقیه از صفحه ۹

جناح خرده بورژوازی، برای انداختن جریان های توده ای شبیه آنچه در انقلاب فرهنگی انجام داد، سعی میکنند در واقع یک شبه کودتا بر علیه بورژوازی و تلاش آن برای تسخیر مواضع خرده بورژوازی در قدرت یا تحریک شدن بیشتر با آن عملی سازد. بن بست سیاسی کنونی، نمیتواند با راه های ساده حل شود. خرده بورژوازی هیچ شیوه دیگری را نمیتواند پیش بگیرد مگر آنکه مواضعی را تسلیم بورژوازی نماید، کما علا واضح است که چنین دورنمایی خود به معنی ادامه بحران کنونی میباشد. چنین دورنمایی به هیچ وجه چاره گشای وضع موجود نیست. مبارزه توده ها، فقر و فلاکت، تورم و بیکاری، بی خانمانی هزاران خانواده کرده، بمباران شهرهای گردستان، شکاف روبه تراید میان توده های ارتش و رهبری آن، و در کل جنبش روبه عتلا با زهم دست هیات حاکمه ای را که به هر ترتیب و علی رغم همه تفاصدا پارای کاری جز بازسازی سیستم ندارد، همچنان یستنه گاه خواهد داشت.

سیستم سرمایه داری وابسته با وضعی این چنین، یعنی بحران عمیق اقتصادی و مبارزه طبقاتی سیزمین بست سیاسی رژیم حاکم، که حصول تفاصدا های درونی بلسوک سیاسی حاکم است، از یک سو و طلب میکند که بورژوازی برای برآه نداشتن چرخهای اقتصادی اسفرا را نظم بورژوازی وابسته، کاسهای قدرت را از دست خرده بورژوازی ستنی مرفه خارج سازد، زبرای آنرا در حکومت حالسی

سازد. و از سوی دیگر متوسل به جذب پایگاه توده ای گردد که در سیاست بورژوازی در تمایل به سمت مجاهدین منعکس میشود. خرده بورژوازی مرفه که حکم مانعی را در برابر هدایت امور توسط بورژوازی دارد بدتر در حال از دست دادن قدرت خود میباشد. جناح خرده بورژوازی حکومت، کاهش تدریجی پایگاه نفوذش در میان توده ها کم کم ضرورت وجودی خود را در حکومت از دست میدهد و ناگزیر است که میدان را خالی کند. اما، خرده بورژوازی ستنی مرفه در برابر سیر این جریان که بدتر درج زبرپایش را خالی میسازد بیما دگی تسلیم نمیشود و با توجه به نفوذ توده ای اش، سخت تقلا میکند که پایگاه مسای خویش را حفظ کند و حتی با حالت تعرضی سعی در گسترش میدان قدرت خود میکند. برنا به انقلاب فرهنگی در حقیقت تدارک خرده بورژوازی مرفه به همین منظور بوده است خرده بورژوازی مرفه ستنی برای حفظ موقعیت خود با در پیش گرفتن تبلیغات شدید ضد کمونیستی و ضد انقلابی تهاجم خود را به پیش میبرد. او که قدرت یابی روز افزون کمونیستها و خرده بورژوازی را دیکال را آشکارا بزبان خود میپند، هر چه بیشتر شیخ حمله خود را متوجه آنها و تلاش برای ایجاد اختناق و بستن تمام مجراهای فعالیت سیاسی مخالفان حکومت مینماید. اما در چنین وضعیتی کمونیستها و نیروهای انقلابی با بدجه سیاستی را در پیش گیرند؟

اول اینکه علیرغم نظریه های از فرصت طلبان که تهاجم هیات حاکمه را بعلت "چپ روی" نیروهای

انقلابی میدانند و سیاست تسلیم طلبی را انا عه میدهند با توجه به تحلیل فوق، روشن است که این سرکوب نه یک پدیده اتفاقی و نه چیزی است که با تسلیم طلبی تخفیف یابد. اکنون روشن شده است که مقاومت دلیرانه دانشجویان، و مقاومت حماسه آفرین خلق کشور، هیات حاکمه را به عقب نشینی وادار کرده است.

کمونیست ها و نیروهای انقلابی بی باید به افشاکاری و تبلیغات وسیع دست زده و در پشتیبانی از خلق دلاور کرد لحظه ای در شکیک ننمایند.

مساله حمله به دانشگاه ها و بستن دفاتر سیاسی، سرآغاز تهاجم وسیع تر به آزادی های اساسی است کمونیست ها و نیروهای انقلابی، با بدیه افشاکاری و تبلیغات وسیع دست زده و پشتیبانی از خلق دلاور کرد لحظه ای در شکیک ننمایند. مساله حمله به دانشگاه ها و بستن دفاتر سیاسی، سرآغاز تهاجم وسیع تر به آزادی های اساسی است کمونیست ها و نیروهای انقلابی، با اینکه مساله دانشگاه را در مرکز توجه قرار میدهند، با بدیه مساله را وسیع تر دیده و خلق را نسبت به این تهاجم، آگاه سازد.

در مرحله فعلی که تفاصدا های هیات حاکمه تشدید شده است، کمونیست ها علیرغم اینکه کل هیات حاکمه را مورد حمله قرار داده و افشا میکنند و علیرغم اینکه هر دو جناح هیات حاکمه را ضد انقلابی تلقی کرده و توده ها را نسبت به آنها آگاه میسازند و این تفاصدا را ناشی از شدت کیری مساره طبقاتی میدانند، نباید و نمیتواند از کنار این تفاصدا بی تفاوت بگذرند. استفاده کردن از این تفاصدا، در جهت افشای جناحهای هیات حاکمه امری ممکن و ضروری است.

بسیار واضح بود که کمونیست ها و نیروهای انقلابی، بی هرگز بزرگ جناح هیات حاکمه برای کوبیدن جناح دیگر تکیه نمیکند، اما از وجود این تفاصدا برای افشای هر دو جناح استفاده میکنند.

در حال حاضر، حزب جمهوری اسلامی حمله های فاشیستی به مراکز و دفاتر سیاسی و همچنین مطبوعات و نشریات را رهبری کرده و بیشترین تبلیغات و سمپا شیها را چه از طریق رادیو تلویزیون، چه از طریق تریبون تما زجمع و مناظره بر علیه کمونیست ها و نیروهای انقلابی را انا عه است. با بدیه این شرایط، نیروهای انقلابی، شیخ حملات خود را متوجه این حزب کرده و هر چه بیشتر آن را افشا نموده و سیاست های تهاجمی را حش میسازند. در عین حال که به بورژوازی لیبرال و ستنی، مدبر، جناحی که با ست سرکوب را، اما با شیوه ای دیگر دنبال میکند، با بدیه کرده و سیاست ها و اعمال فدا انقلابی و فدا خلقی اش را افشا نمود.

آنچه مسلم است هیات حاکمه، در نبردی که با خلق آغا ز کرده است برای تثبیت اوضاع چاروازی جز در پیش گرفتن سیاست سرکوب ندارد و تفاصدا آنها تنها در شیوه های عمل است و کمونیست ها و نیروهای انقلابی، در مقابلیه با آنها باید در دام هیچگونه فرصت طلبی معاشات و تسلیم طلبی افتاده و این چشم انداز کمالا روشن را داشته باشند. که بن بست علاج ناپذیر هیات حاکمه، فرصت تاریخی بی نظیری را برای شکل و سازمان دادن پرولتاریا، آگاه سازی خلق بوجود آورد، و سپیده دم نابودی سرمایه داری و آزادی خلق را نزدیک کرده است.



پرولتاریا نیاید، راهش الزاماً بسوی ترکستان سرمایه‌داری است. این سرخ‌پوشان و مغرور خرد بورژوازی است، که بهنگامیکه مستقل از پرولتاریا راه خود را می‌پویید، به‌مازش با بورژوازی بیردازد، و جاده صاف کن و احیا کننده نظم بورژوازی باشد. اگر این حکم که بارها و بارها در عمل با ثبات رسیده است و با قوت تمام در مورد خرد بورژوازی - به خصوص بخش سنتی آن - صادق می‌باشد

در مورد خرد بورژوازی سنتی مرفه‌میرا - سبب صادق تر است خرد بورژوازی سنتی مرفه از طریق بهره‌برداری از باطل تولید یا توریج یکم کارگران یا ناکردن آنی جدیدارای وضعیتی است که نمیتوان مری بین آن و بورژوازی کشید. و به عبارتی یکپایه‌ی در بورژوازی است. و در میان رز به بر علیه سرمایه‌داری وابسته تا آنجایی پیش می‌آید که فشار سرمایه‌های بزرگ و انحمارای برایش تحمل ناپذیر و کم‌ترنگن است. و در صورت تضعیف فشار آنها، سرعت از صف مبارزه جدی با سرمایه‌داری وابسته و ایضاً امپریالیسم خارج می‌گردد. از این سر و میا رز خرد بورژوازی سنتی مرفه بر علیه امپریالیسم بطور کلی - به مراتب نا پیگیر و ممانعت‌گرا نه می‌باشد. و از حدود مبارزه در جهت کاهش وابستگی و طرد سرسپردگی و تابعیت سیاسی فرا تر نمی‌رود و هرگز در مسیر مبارزه برای محو نا بودی نظام سرمایه‌داری وابسته حرکت نخواهد کرد. زیرا که آتش مبارزه بر علیه سرمایه‌داری وابسته لزوماً دامن سرمایه‌داری را هم می‌گیرد، و حتی اگر تمام سرمایه‌داری راد ر میان تعلق‌ها بش محاصره نگند، باز خرد بورژوازی سنتی مرفه - که یکپایه در سرمایه‌داری است، را بالا گرفتن این آتش و حشمت زده می‌گردد، و بدین سبب از شعار مبارزه بر علیه سرمایه‌داری وابسته گریز ان می‌باشد.

خرد بورژوازی سنتی مرفه مدتها پیش از آنکه بر سر قدرت تکیه رسد، خود را از ربر علم مبارزه در جهت ملی کردن سرمایه‌ها و وابسته بر علیه سرمایه‌داری وابسته کار کشیده بود، و همچون خر از را دی‌کاسه لیسم محاهدین خلق در این زمینه‌ها رس داشت. بنا بر این، مبارزه خرد بورژوازی سنتی مرفه بر علیه امپریالیسم و در جهت کسب استقلال و آزادی، از آنجا که دامنگیر نظام سرمایه‌داری وابسته نمی‌گردد و سر هت در نتیجه راه به توقف گشته، و در بن بست - علاج درجا خواهد زد. چنانکه جریانات پس از قیام بخوبی این بن بست، را ماندگی و تشاقق حل نشدنی خرد بورژوازی سنتی مرفه را نشان می‌دهد. خرد بورژوازی سنتی مرفه، بهنگامی که مرکزیت در قدرت سرمایه و جیسو د اینکخواهان استقلال از امپریالیسم است، اما چون بخاطر وضعیت خود نمیتوانند تنوع حمله و مبارزه را امپریالیستی خود را منوجه سرمایه‌داری وابسته نمایند، تا گریز بهنگام حضور در قدرت به حفظ و پایداری از نظام سرمایه‌داری وابسته و سرکوب انقلاب بر علیه سرمایه‌داری وابسته میسر دارد و علاوه بر نظم و مقتضیات جامعه سرمایه‌داری وابسته، بحال می‌کند که مناسبات سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم ادامه می‌یابد. و در نتیجه سلطه سرمایه‌داری کماکان تأمین شود، و استقلال مطلوب منقذی گردد.

خرد بورژوازی سنتی مرفه از سویی خواستار استقلال است. و از سویی دیگر، در عمل ناچار با بدین خواستها را را سازد، از سویی مخالف سلطه سرمایه‌داری وابسته است، و از سویی دیگر، ناگزیر از س دادن به آن است. بر این اساس، ضدیت خرد بورژوازی سنتی مرفه با امپریالیسم و استقلال طلبی آن با تشاقق حل نشدنی روبروست. و معمای حیات حاکم پس از ما در همین تشاقق است، که آنرا نهی سر کرفما رین سنتی علاج نمود است.

حمیتی بعنوان نماینده خرد بورژوازی سنتی مرفه گرچه قبلاً خواستار استقلال از "عانب" می‌باشد، اما این استقلال طلبی و ار لحاظ اقتصاد برای بیست نیست، و از آنجا که در جهت احیاء و تثبیت نظام سرمایه‌داری وابسته عمل می‌کند، نمیتواند وابستگی به

خرد بورژوازی

و

انقلاب

قسمت آخر

سرخ‌پوشان اغلب کشورهای کدما حاکمیت خرد بورژوازی به دست بر با امپریالیسم برخاستند، و چند مناصب متقل از سلطه سیاسی امپریالیستها امور کشور را اداره کردند، آن بود که پس از جدی قدرت سیاسی - بان در اختیار بورژوازی وابسته بورژوازی بوروکرات قرار گرفت. و برخلاف احزاب روبرو پسینها نه تنها ستراستندار دایره مناسبات سرمایه‌داری خارج شوند و بسوی سوسیالیسم ره‌یافتا بدهند، آنجا که روز پسینها می‌گویند - بلکه راه رشد سرمایه‌داری را پیمودند. و مناسبات سرمایه‌داری را در خود حاکم گردانیدند. نمونه‌های تاریخی الحجاز، عراق، سوریه و مصر بخوبی گواه ادعای ما است. در این کشورها با وجود آنکه وسایل تولید بزرگ و متمرکز در اختیار سرمایه‌داری ان خصوصی و آزاد قرار نداشته، ولیکنه در دست دولت خرد بورژوازی بود، ولی آن موسسات تولیدی دولتی به شیوه مزدوری بر من گسیس - همان‌تیه - مناسبات کالایی و رشد بورژوازی مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفتند. و از این لحاظ رشد و توسعه آنها بهیچای رشد و توسعه سرمایه‌داری بود خرد بورژوازی که هیچ شیوه تولیدی جرس سرمایه‌داری را نمیتوانست در پیش گیرد، با در دست گرفتن منابع ملی کردن آنها ار لحاظ اقتصاد - دی، سرمایه‌داری را رشد داده و از لحاظ طبقاتی بورژوازی بوروکرات را توسعه می‌بخشد. و اینکه از آنجا که توسعه سرمایه‌داری در هر کشوری لزوماً منجر به ایجاد ارتباط دژونی و شکا شک بیس هر کشور سرمایه‌داری با سیستم جهانی سرمایه‌داری یعنی امپریالیسم می‌گشت، تدبیراً مراودات و وابستگیهای این کشورها به امپریالیستها بیشتر و بیشتر می‌شد و مناسبات خود موجب فروکش ناپادیکالیسم در این کشورها گردید. جریان و فایع بخوبی نشان داد که "راه رشد غیر سرمایه‌داری" به هنگامیکه جامعه تحت حاکمیت خرد بورژوازی و در حالت تسلط مناسبات کالایی و آزادی مالکیت عمومی باشد، خبالی فریبده بیست نیست، و در جیس وضعیتی جامعه نه تنها در مسیر سرمایه‌داری نه "کا می‌رنمید. ر د، بلکه سرمایه‌داری و سبباً سرمایه‌داری جهانی می‌سوی امپریالیسم حرکت خواهد کرد.

تخرید کشورهای با مطلق "راه رشد غیر سرمایه‌داری" باز دیگر احکام مارکسیسم - لیسم را که در گذشته بر بارها با ثبات رسیده - بسود ناسد کرد، و نشان داد که هرگاه خرد بورژوازی شج سرگردگی و دایر ابرام

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

امپریا لیستها را از هم بگسلد، خمینی از یکسودریی آنست که ایسرا ن همچون گذشته تابع و تحت سلطه سیاسی امپریا لیسم نباشد، و از سوی دیگر حواهان حفظ روابط حسته با آمریکا است، و هیچگاه قطع رابطه با آمریکا را دنبال و حتی طرح ننموده است. ماهیت خرده بورژوازیی خمینی بسیار پشوانه بی ار مبارزه با استعمار، و استقلال طلبی وی موجب اصرار بر در عدم بازگشت و احیای موقعیت مسلط و ممتاز از امپریا لیسم آمریکا در ایران است، و کارکرد آن بعنوان بهترین و نیرومندترین مورد عیات حاکمه نظام سرمایه داری وابسته در جهت برآه انداختن چرخهای فرسوده سرمایه داری وابسته عمل میکند. اینست تناقض خرده بورژوازی سنتی مرفه حاکم که از یکطرف خواهان استقلال سیاسی است، و از طرفی درصددیکردن درآوردن اقتصاد سرمایه داری و تبعاً سرمایه داری وابسته میباشد.

سازش خرده بورژوازی سنتی مرفه بورژوازی لیبرال و سوسیال امپریا لیسم بر مبنای همین تناقض خرده بورژوازی سنتی مرفه در قبال نظام سرمایه داری وابسته قابل توضیح است، که هر دو جستجوی استقلال سیاسی است، هم در پی برآه انداختن چرخهای اقتصاد جامعه که همان سرمایه داری وابسته باشد، هم مخالف بازگشت سلطه سرمایه داری، کمپرادورهای بزرگ است، هم اینکه در پی بحرکت درآوردن همان سرمایه های انحصاری میباشد، در عین حال اختلاف شدید درون هیأت حاکمه، که هیچگاه گروبان یکدیگر را میگیرند تا حدودی متأثر از همین تناقض است که در کشمکشها و کلتجارهای بین جناح های حکومت منعکس میگشت. خرده بورژوازی سنتی مرفه بزعامت خمینی عساکران اختیار دولت را بدست بورژوازی لیبرال میسرید، و در عین حال سرمایه های آن در جهت تدارک بازگشت تسلط و امتیازات سیاسی آمریکا مخالفت میکند، با انحلال و تضعیف ارتش مخالفت میکنند. و خواستار بازگشت وجهه و اعتبار سابق ارتش است، و در عین حال بدلعو قرارداد های خفت بار نظامی و سیاسی با آمریکا میبرد ا زد.

تناقض خرده بورژوازی سنتی مرفه در مقابل سرمایه داری وابسته در شکل وحدت و تفاو آن با بورژوازی لیبرال و در جریان حرکت های مختلف هیأت حاکمه هم بصورت وحدت آنها در سرکوب و کشتار توده ها و خفه کردن انقلاب و هم مشکل اختلافات بین این دو جناح هیأت حاکمه ادامه حیات یافت، ادامه حیات این تناقض در هیأت حاکمه که محصول ضررست مهیب جنبش غظیم توده بی و بخصوص قیام بهمن ماه برپیکر فرسوده سرمایه داری وابسته و ورورده خرده بورژوازی سنتی مرفه به جرگه قسدرت سیاسی بود، موجب تضعیف توان، ظرفیت و قدرت مانور هیأت حاکمه در برآه انداختن چرخهای نظام حاکم گردید، و این امر در کناره بران عمیق و همه جانبه اقتصاد و نیز افزایش آگاهی و قدرت اجتماعی توده ها در جریان جنبش ۵۷ و قیام بهمن ماه و متقابلاً تفاو های درونی هیأت حاکمه و عجز و ناتوانی آنرا تقویت نموده و ادامه میدهد.

این تناقض درون هیأت حاکمه کشا کشا ی بسیاری را بر سر سیاستها و اقدامات حکومت موجب میشد، که آنرا در موارد زیر میتوان نشان داد:

حذف بهره بانکی و ملی کردن بانکها بمنظور بیرون آوردن آنها از زیر چنگ سرمایه داران بزرگ و انحصار طلب از خواسته های کهنه خرده بورژوازی سنتی بود، بخشهای رادیکال خرده بورژوازی سنتی حتی خواستار از بین بردن بانکها و ایجاد صندوق قرض الحسنه یا بانک اسلامی و حذف بهره بطور کلی بودند. اما بخش مرفه خرده بورژوازی سنتی که ابتدا با این خواسته همراهی میکرد، بهنگام قرار گرفتن بر موضع قدرت و سازش با بورژوازی لیبرال و در نتیجه با سرمایه وابسته، تنها بر روی دولتی کردن بانکها و حذف بهره بانکی اصرار میورزید، ملی کردن بانکها و موسسات بیمه را ابتدا با مخالفت بورژوازی لیبرال روبرو بود، اما با گذشت زمان بورژوازی لیبرال هم که دریا فست برآه انداختن اقتصاد سرمایه داری وابسته ایران منلزم دولتی سازی کردن بانکها و موسسات بیمه است، با این خواست خرده بورژوازی سنتی مرفه بمنظور برآه انداختن اقتصاد موجود موافقت میکند، و حتی در این زمینه ادعا ی پیشنازی میسازد. در مورد مساع و موسسات

بزرگ نیز وضع به همین منوال بود، بورژوازی لیبرال خمینی را راضی کرده بود که به سرمایه داران تضمین دهد و خمینی هم چنین میکند. اما تب داغ خرده بورژوازی در قبال حکومت مستضعفین ادامه قدرت این سرمایه داران بزرگ را تحمل نمی نمود و پیوسته از درون به جناح بارر کان فشار و آنها م وارد میشد. تا اینکه در این مورد نیز بهمان دلایل فوق بورژوازی لیبرال دست به ملی کردن سرمایه های بزرگ نمود. قطع وابستگی رسمی ریال به دلار، لغو قرارداد ۲۷ میلیارد دلاری سلاح با امپریا لیسم و اخراج چندین هزار مستشار آمریکا با حقوقهای کلان، و قطع یک رشته برنامهای که صرفاً بسودا امپریا لیسم بود، مانند نیروگاه های اتمی و... لغو قرارداد نظامی معروف ۱۹۵۹ ایران و آمریکا، لغو کابینتولاسیون و اشغال سفارت آمریکا و..... رویه مرفه سیاست های خاص خرده بورژوازی سنتی مرفه است که در مقابل بل بورژوازی لیبرال مخالف لغو قرارداد و تشریدن روابط ایران و آمریکا بود، و حتی در جهت حفظ پارهای از آنها تلاش میکرد.

این اقدامات هیأت حاکمه موجب تضعیف وابستگی ایران به امپریا لیسم و باعث از بین رفتن بسیاری از پایگاه های نفوذ و غارت امپریا لیسم در ایران میگشت، و در واقع تجلی مایه های استقلال طلبی خرده بورژوازی سنتی مرفه بود. در حالیکه بورژوازی لیبرال با اظهار اینکه وابستگی امریست قهری "جاسوس وارد رپیی احیای بساط سلطه امپریا لیسم بود.

بدنبال قیام، تعقیب و مجازات کارگزاران عمده رژیم سابق آغاز میشد، این اقدامات بوسیله چهره های معروف خرده بورژوازی هیأت حاکمه تشویق و دنبال میشد. دستگیری، محاکمه و اعدام عوامل مهم رژیم شاه که مهره ها و عنا صریرا رزش دستگا سیاسی سرمایه داری وابسته بحساب میآمدند و رژیم جدید بدبختی میتوانست عنا صر مهره هایی چون آنها برای خود فراهم کند، ختم و اعتراض بورژوازی لیبرال را آنچنان بزرگانیکت که بهزار رنج میکشید مانع از کار "دادگاه انقلاب" و خلغالی گردد. انتقامی اینچنین از عوامل رژیم سابق و نابودی منافذی یکی آنها که هم موجب تضعیف توانایی و ظرفیت سیاسی سرمایه داری وابسته میگشت، و هم قدرت و شور و سرمایه داری وابسته و ضد امپریا لیستی توده ها را ادامه میدهد، بهیچوجه مطابق با منافع و خواستهای بورژوازی لیبرال نبود، و نمابندگان مشغول این جنس جناح از هیأت حاکمه در برابر این اقدامات با جا روجنجال آیدادگی نمودند. حال آنکه امرارو پیگیری در محاکمه و محاکمه مهره های رژیم شاه از جانب جناح خرده بورژوازی هیأت حاکمه و نمابندگان این جناح دنبال میشد.

بورژوازی لیبرال نه تنها در پی سازش با امپریا لیسم، بلکه در تلاش برای حفظ مهره های منفور رژیم سابق بود، تا با آنکه و یکممک آنان خود را در برابر برقیب پر قدرتش در هیأت حاکمه تقویت نماید، وضعیت انقلابی توده ها و برخورد مواج ختم و اعتراض آنها با نهادها و روابط سرمایه داری وابسته، بورژوازی لیبرال را که کن سرمایه وابسته را بعد از قیام با سرمایه داری و نمابندگی میکرد، بوحشت انداخته، و نیازمند حفظ نهادها، عنا صر و روابط رژیم سابق - به نسبتی بمراتب بیش از جناح خرده بورژوازی هیأت حاکمه - میکرد، تا یکمک آنها نظام حاکم را در برابر غلبان دم افزون مبارزات توده ها حفظ کند. بورژوازی لیبرال نه تنها گزیر که با طیب خاطر برای عنا صر سرپرده رژیم سابق آغوش میگشود، و آنها را پناه میدهد.

ادامه آن سیاست خرده بورژوازی در صدمه ساختن و کتار نهادن مهره ها و عنا صر مهم رژیم سابق تا همین اواخر هم در هیأت حاکمه بدبخت میخورد که نمونه واضح آن حکم برکناری و اخراج ۱۲۵ امرماده نیروی هوایی - یعنی سرپردهگان امپریا لیسم و مهره های لارم بورژوازی وابسته - بتوسط خلغالی و حمایت وی از شخص نیروهای نظامی بود. منازعات ابوشریف و لاهوتی با بزدی، جرمان و بازگان نیز نمونه دیگری از ضدیت خرده بورژوازی با بورژوازی لیبرال و با اعااد وابستگی سیاسی - نظامی با امپریا لیسم میباشد. که درین هیأت حاکمه جریان داشت و هنوز دارد.

بقیه از صفحه ۱۰

اوضاع اقتصادی...

یکی از نکات قابل توجهی که در این گزارش آمده است، اینست که بنیاد به شورای انقلاب توصیه می‌نماید "باید پیش باشد اگر ایستاده‌ها به بنیاد انتقال پیدا کند که نه کاملاً خصوصی است و نه بطور کامل دولتی است". ویژگی هر دو را بشود برخورد بین آنها داشته است. اما آیا بنیاد مستمعین که با استناد به این گزارش ۷۰ واحد صنعتی بزرگ را در اختیار دارد و بنا به اظهار سرپرست بنیاد به جبرنگار هفت نام مدکور ۷۰ درصد کارهای توسعه صنعتی را برعهده دارد و علاوه بر این ۷۰ کارخانه بزرگ، ۲۵ واحد ساختانی بزرگ و ۳۰ شرکت تجاری را نیز در اختیار دارد، میتواند با در اختیار گرفتن واحدهای صنعتی دولتی بحران عمیق آنها را کاهش دهد، این مسئله ایست که رئیس بنیاد با تعریفی که از وضعیت بنیاد در پایان همین گزارش بدست میدهد به آن نیز پاسخ میدهد "شاید اگر ما تصویر واقعی بنیاد را برسیم کنیم، شاید یکی از ورشکسته ترین و ضعیف ترین نهادهایی است که در جهان وجود دارد".

اینک ما قسمتی از این گزارش را که به مشکلات امور صنعتی و رهنمودهای بنیاد اختصاص دارد که خود خیلی عمیق بحران به بیان هیات حاکمه و گویای وضع اقتصادی جامعه و مایه سرمایه دارانه و ضد کارگری حامیان "مستمعین" است می‌آوریم.

در مورد امور صنعتی، ما نوحه به اینکه ۱۲ ماه است از انقلاب میگذرد، روشن شده است که صنایع ملی شده تحت اداره وزارت صنایع و معادن دارای مشکلات زیرین میباشند:

- ۱- مشکلات کار که شامل اینهاست: کارخانه‌ها و ادارات مسدود، مستخدمین دولتی دولت را طرح می‌نمایند، آنها مستمع حکومت است که به تعداد حقوق بگیران خود بپردازد.

- ۲- کاهش تولید بخاطر مشکل کار.
- ۳- کمک نامحدود دولت به این واحد چون مدیران دولتی آن هیچگونه مقاومتی در مقابل خواست نامحدود کارگران نشان نمی‌دهند. این مسئله قابل ملاحظه بوده زیرا حتی از بودجه تولید صرف هزینه‌های غیر مولد میگردد.

- ۴- فقدان حس مسئولیت از طرف مدیران دولتی بطوریکه خود را کاملاً وابسته به حکومت کرده و انتظار دارند حکومت کلیه مشکلات را حل نماید.

- ۵- فقدان امکان تصمیم گیری برای احیای صنایع، برای خارجانی هر سربل با جری در

ابزار مورد نیاز حتی برای بالا بردن تولید کارخانه، باید حکومت خود تصمیم گیرد و غالباً این جریان تصمیم گیری با مشکلات اداری بوم است.

بررسی اینها و مشکلات عام دیگری که در کشور بعد از انقلاب بوجود آمده است نشان داده که ۷۰ واحد تحت مالکیت و اداره بنیاد از شرایط نسبتاً بهتری برخوردارند، بنابراین پیشنهادات ذیل برای رفع نقایص موجود ارائه میشود، شاید بهتر باشد اگر این واحدها به سیاد منتقل شود، زیرا بنیاد به کاملاً خصوصی است و نه کاملاً به دولتی، عمومی تلفظ دارد ولی خصیصه هر دو را بدون برخورد با هم داراست.

۱- وام های بانکی همه این واحدها میبایست به یک بانک انتقال یابد.

۲- این بانک میبایست بلافاصله یک "ناظر مالی" را تعیین نموده و این ناظر میبایست در اداره واحد با حق امضا شرکت داشته باشد.

۳- بازپرداخت وام کارخانه‌ها به بانکها برای یک سال به تعویق میافتد.

۴- وامهای بانکی که حداقل با سرمایه بازگشته در نیمه اول سال ۵۷ برابری میباید به سرمایه بچریان افتاده و اگدا شود.

۵- وامهای بانکی که تا آن مقدار نیست که بوسیله بخش ۳ - جبران نمیشود به سهام واکدار شده به بانک تغییر کرده و سرمایه واحد میبایست افزایش پیدا کند.

۶- بنابراین بانک میبایست یکی از سهامداران واحد طبق قانون شرکتها شده و یا به بولی واحد میبایست تقویت شده و همه کارکنان مالی آن تحت نظارت باشند، این نه منجر به اعمال فشار زیادی بر دولت شده و نه واحد مورد نظر کاملاً خصوصی شده است چنانکه بدون نظارت هیچ کانونی عمل نماید.

پس برآورد ۴ - ما.

آنچه از این گزارش مستفاد میشود اینست که شخصاً از پنج مشکل اساسی واحد های صنعتی دولتی که بنیاد بر می‌شود سه نای آن شامل مسئله تقاضای فزاینده کارگران و عدم توانایی هیات حاکمه برای مقابله با آن کارگران تقاضای افزایش سطح دستزد و کاهش ساعات کار را دارند، آنان حاضر نیستند به استثمار شدید نیروی کارشان تن در دهند. کارگران تقاضای مزد بیشتری میکنند و مدیریت دولتی کارخانه نمیتواند در مقابل آن مقاومت کند چرا که پشتوانه تقاضاهای کارگران حرکت جمعی آنهاست، اعتصاب و تحصص میزان تولید را کاهش میدهد و این آن نکته ایست که در بند ۴ بصورت "کاهش تولید بخاطر مشکل کار" بیان میشود. از طرف دیگر عدم توانایی دولت برای مقابله در مقابل خواسته های نامحدود کارگران هزینه تولید

را بالا میبرد. دیگر کار ایران نیست و سود آوری کارخانه کاهش پیدا میکند و سرمایه میل به گردش را از دست میدهد، پس برای هیات حاکمه چه راه حلی می‌ماند؟ از یکسو باید وام این واحدهای صنعتی را یکسال بتعویق اندازد و با شرکت مستقیم با سرمایه بولی و ادغام آن در سرمایه صنعتی کنترل مالی آنها را برعهده "ناظرین مالی" بانک بگذارد. درآمد نفت که پشتوانه ارزی سرمایه بانکهاست باید کمبود سرمایه و کاهش سود را تامین کند. ولی تقاضای فزاینده کارگران را چگونه باید پاسخ داد که تولید سرمایه را مختل میکند. از یکسو باید از استخدام کارگران جدید خودداری کرد و این بدین معنی است که فشار بر کارگران برای بالا بردن مقدار ارزش اضافی چهبصورت ارزش اضافی نسبی یا مطلق باید افزایش پیدا کند. اما ابزار هیات حاکمه برای تامین چنین شرایطی چه میتواند باشد؟ خواسته های نامحدود کارگران را که مستحق ناشی از آگاهیان از موقعیت اجتماعی آنهاست چگونه باید محدود نمود تا امنیت لازم برای سرمایه فراهم شود. به این پرسش هیات حاکمه در حد توانایش در عمل پاسخ داده است. و چه راه حلی جز سرکوب ایجاد حقان و اختناق برای آنان باقی میماند دستگاه تبلیغاتی رژیم، سخنرانی ها و فتوی های سران هیات حاکمه در سراسر ۱۵ ماهی که از عمر آن میگذرد، همواره تلاش داشته است تا این "تقاضاهای نامحدود" کارگران را متوقف کند و استثمارشان را "متروغ" نماید و دستگاه نظامی رژیم از طریق ضرب و حرج کارگران، تهدید و ارباب و زندان و کشتار سالت حفظ امنیت را برای سرمایه در کارخانه برعهده داشته اند و کلیه کالیهای که در افزایش ایستگاه آگاهی تاثیر داشته اند تاحد توان مسدود کرده اند، همیشه کمیونیستی که وظیفه اعتلا این آگاهی را برعهده دارد از هر سو مورد حمله قرار میگیرد، کانونهای دانشجویی آن به بهانه انقلاب فرهنگی در هم کوبیده میشوند و اعضا انقلابی آن به زندانها و جوخه های اعدام سیرده میشوند. امکانات انتشاراتی آنرا با توقیف چاپخانه ها و دفاتر انتشاراتی تحت فشار قرار میدهد و هر جا رنگ و بوش از کمیونیت این آیدئولوژی طیفه کارگر "ضد استغلاب و کافر" باشد مورد تجاوز قرار میگیرد به این امید که خواسته های نامحدود کارگران موقوف شود و تولید سرمایه داری وابسته چرخش خویش را پیش برد "سرکوب و اختناق اولین وسیله ایست که هیات حاکمه به آن توسل جست و از طریق تحکیم بنیاد پاداران و دستجات مسلح گنیه ها در جستجوی آن است که سال امنیت سرمایه را تحقق ببخشند و بنیاد "مستمعین" این نهادی که "مسکینین آن" را بر علیه "مستمعین" برپا داشته است هشدارهای لازم را برای تقاضای فزاینده

کارگران به شورای انقلاب میدهد و بخش زیادی از درآمد خود را در اختیار کمیته ها، سپاه پاسداران و دادستانی انقلاب بلی پیشبرد، این سیاست میگذارد. مثلاً از ۲۵۰۰ میلیون ریال درآمدی که بنیاد طی یکسال از محصل فروش اموال، اجاره تاسیسات وابسته بر پول اخذ شده از مدومین داشته است، بنا به اظهار خاموشی سرپرست بنیاد متجاوز از ۱۰۰۰ میلیون ریال آن در اختیار کمیته ها، سپاه پاسداران و دادستانی انقلاب قرار گرفته است (مناصبه خاموشی با تهران - هرالد ۲۸ آوریل). و شخص ایشان در گزارش مسود نظر اظهار میدارد که "سپاه پاسداران، دادستان انقلاب، کمیته های مذهبی متروا"، برای خرید اتومبیل و سایر ابزار و وسائل بهار رجوع میکنند.

اما آیا هیات حاکمه با سیاست سرکوب، رهنمودهای ضد کارگری بنیاد مستمعین که لایه منظورشان بنیاد کارگران و زمینکشان است، با فشار بر جنبش کمیونیستی حس و کشتار کارگران و انقلابیون یاری تامین امنیت لازم برای استثمار سرمایه را خواهد داشت؟ این سؤالی است که کارگران و زمینکشان بآن پاسخ داده اند و همچنان درگیر پاسخ دادن به آن هستند.

اما بنیاد "مستمعین" فقط از بحران واحدهای صنعتی، از "تقاضای نامحدود" کارگران از عدم مقاومت مدیران دولتی در مقابل خواست کارگران در ربح نیست، او را دامنه "بحران، از دامنه جنبش انقلابی، از "اشخاص با نقطه نظرات افراطی" در درون خود نیز ربح میبرد و به شورای انقلاب پیشنهاد تسویه آنها را می‌نماید. "بنیاد موسسه ایست که بعد از انقلاب بوجود آمده و مطالعه کابینی روی اشخاصی که در آن جذب شده اند بعمل نیامده است و امکان این هست که آنان به گروههای آیدئولوژیکی مختلفی تعلق داشته باشند ... وجود اشخاصی با چنین نقطه نظرات افراطی در نهادهایی با چنین ماهیت انقلابی مانند بنیاد که با نوده ها مردم روبروست مناسب نیست. چنین اشخاصی میبایست تسویه شونده، اما نقطه نظرات افراطی این اشخاص چیست. این اشخاص مانع میشوند تا اموالی که صادره شده است و بنا باظهار خاموشی به ۲۰۰ میلیارد ریال میرسد آزاد گردند و به "صاحبانشان" برگردند. "بکار گرفتن نظم برای آزاد کردن اموال صادره شده با دو مشکل روبروست. کارمندان که حاضر نیستند چنین دستوراتی را اجرا کنند اگر اصلاح نتواند میبایست از کارشان در بنیاد جلوگیری شود. و به شورای انقلاب دو پیشنهاد میشود که دادستانان سیه در صفحه ۱۹۰

نابود باد سرمایه داری وابسته به امپریالیسم

خرده بورژوازی و ...

بقیه از صفحه ۱۳

قطع روابط سیاسی با اسرائیل و نیز با مصر - آنهم از بالای سر کابینه و وزارت امور خارجه - قطع فروش نفت به اسرائیل و به آفریقای جنوبی، خروج از پیمان ستو و فراخواندن نیروهای نظامی ایران از قضا رودماغ از جنبشهای آزادیبخش رو به گرفته نموده - های صورت گرفته با امپریالیسم - البته بصورت جزئی و ضعیف - در درون هیأت حاکمه میباشند. حضور رگه های جزئی و ضعیف ضدیت با امپریالیسم در مقابل تلاش همه جانبه تمام می هیأت حاکمه و جناح های مختلف آن برای سرکوب مبارزات انقلابی بوده و در جهت برآوردن آتش و تثبیت نظام سرمایه داری وابسته حکم کماهی را در برابر کوه دارد و طبیبی است که اقدامات وسیع حساب شده و همه جانبه رژیم حاکم برای تثبیت و ادامه حیات سرمایه داری را به کار می برد، مگر آنکه مایه های رقیق ضد امپریالیستی و تظاهرات استقلال طلبانه بخشی از هیأت حاکمه، سایه میاندازد و آنرا تحت انشعاع قرار میدهد. در حقیقت آنچه موجب ادامه حیات این مایه های رقیق استقلال طلبی و دوام کشمکشهای زورن هیأت حاکمه گردیده است، تلاطم عظیم جنبش توده ها است که زمینه قوی ماندن جناح خرده بورژوازی هیأت حاکمه و استفاده بی راز از غلبان توده ها بر علیه جناح دیگر، فراهم میسازد.

اخراج کارشناسان نظامی آمریکا و لغو برخی از قرارداددهای امارت با در حال صورت میگرفت، که امیران نظامی و ژنرالهای ارتشی از نیا زمبر ارتش ایران به کارشناسان آمریکا بی سخن میگفتند و بزدی از ضرورت داشتن ارتباطات نظامی با آمریکا و حفظ قراردادها صحبت میکرد.

گرچه سیاستهای خرده بورژوازی هیأت حاکمه با لابل و بخشی از آن، در اصل ناشی از مبارزات آتشین توده ها و اعتراضات پیاپی آنها به ادامه حضور و نفوذ امپریالیسم بود، اما این مبارزات و اعتراضات در آن جناح از هیأت حاکمه منعکس میگشت و دنبال میشد که با پگاهش همان توده ها بودند. در حالی که جناح دیگر هیأت حاکمه که با یکسایه طبقاتی امپریالیسم و مهمترین تکیه گاه سرمایه مالی جهانی در دوره پس از قیام بود، به پیوسته در برابر آنها مخالفت و ایستادگی مینمود. از اینها گذشته، وقتی میگوئیم که خرده بورژوازی سنتی مرفه زعامت و نمایندگی سیاسی خود را به روحانیت سپردن یا بدین نتیجه را گرفت که پس روحانیت با دقت تر به گوشم روحانیت پیرو خمینی شما مسا نماینده سیاسی خرده بورژوازی سنتی مرفه است. اینکه خرده بورژوازی زبی سنتی مرفه به روحانیت و بویژه به شخص خمینی از این جهت که هم قاطعانه در مقابل رژیم شاه و دیکتاتوری سرمایه داری وابسته ایستادگی کرده بود، و هم اینکه هیچگونه موضع رادیکال و شعاری بر علیه سرمایه داری نداشت، اطمینان بدست آورده و نمایندگی سیاسی خود را به وی سپرده بود، هرگز بمعنای آن نیست که روحانیت آئینه تمام نمای خرده بورژوازی سنتی مرفه است و دیگر هیچ.

روحانیت از نظر متناهی شکل گیری و پیدایش جدا و مستقل مدتها پیش از این خرده بورژوازی جامعه سرمایه داری بوجود آمد و گرجا زده برپا زریشه عمیقی در اصناف و پیشه واران شهری قرون وسطا داشت، ولی در گذشته نیز، بخصوص از دوره صفویان بدینشود را رابطه با اقطاع و طبقات قرار گرفته، و خواسته ها و منافع آن اقطاع و طبقات را در لابلای دستجات خود منعکس مینمود. در عصر مشروطیت، روحانیت هم عنامری چون آیت الله طباطبائی را که در کنار انقلابیون مبارزه میکرد داشت و هم افرادی چون شیخ فضل الله نوری را که تا دم مرگ مخالف مشروطه خواهان و طرفدار قاجار بود. روحانیت هم چهره هایی مبارز و ملی چون مسدس پروا نده و هم اینکه افرادی نیمه راه و سازگار رویشان به جنبش ملیسی مانند آیت الله کاشانی از خود بیرون داده است. هم افرادی چون آیت الله بروجرودی داشت که شاگویی رژیم شاه بودند، هم مبارزانی چون نواب معوی داشت که بصورت فیرا میزبان رژیم شاه میگردند. در سالهای اخیر نیز روحانیت از یکسو چهره هایی چون آیت الله خمینی، خدی، غفاری بدخنه مبارزات سرسختانه با رژیم شاه عرصه مینمود، و

از سوی دیگر افراد سازگار و مرتجعی چون شریعتمداری و مرعشی و کلپایگانی که با سرمایه داری و منافع سرمایه داران و زمینداران بودند، در بساط خود داشت. در مجموع روحانیت، آثار همه طبقات و اقل را منهای کارگران و دهقانان و زمینکنان در خود بنمای میگذارد. از یکسو عناصر طرفدار رفشودالها و زمینداران چون طباطبائی قمی تنها شریعتمداری با سرمایه داری و منافع سرمایه داران وابسته را از سوی دیگر کسانی چون خمینی و منتظری بعنوان نمایندگان خرده بورژوازی سنتی مرفه و افرادی چون شیخ منتظری و کتجه بی بعنوان نمایندگان خرده بورژوازی سنتی رادیکال را در خود دارد. روحانیت بدین ترتیب بردوش همه اقطاع و طبقات سوار شده، و از بورژوازی وابسته گرفته تا کارگران بدینها کمک میرساند از اینرو، هرگز نمیوان گفت که روحانیت و حتی روحانیت پیرو خمینی صرفا نماینده سیاسی این آن گروه است، بلکه نوعی استقلال نسبی و وضعیتی نسبتا فراتر از پایگاه طبقاتی و حالت خودویژگی دارد.

البته هر نماینده سیاسی و یا هر نماینده سیاسی نسبت به پایگاه طبقاتی خویش استقلال نسبی دارد. و در این رابطه موارد تاریخی قابل توجه اما ناداری موجود است که ما در آنها تحلی حالت های استقلال آنها - دهان نمایندگان سیاسی را نسبت به پایگاه طبقاتی شان مشاهده میکنیم هر چند این موارد در مقابل سرمایه با حالت عمومی تبعیت آنها دهها و نمایندگان سیاسی از پایگاه طبقاتی شان حکم استثناء را در مقابل قاعده دارد.

اما با این وجود وضعیت روحانیت از لحاظ وابستگی طبقاتی یا استقلال کمی پیچیده تر از موارد مشابه تاریخی است، به نحوی که ظاهر ما و از طبقاتی آن غلیظ تر و انعکاس تمامایات کون طبقاتی در آن شدید تر بوده، و تیمارگرایش های مختلف طبقاتی در آن بیشتر مشهود میباشند. با اینحال استقلال و خودویژگی روحانیت نسبت به طبقات و اقطاع راجع به معنای عمده بودن این خصوصیت به شمار نمیرود و عملکرد اجتماعی روحانیت عمدتاً تحت تأثیر تفاو و تما یزات طبقاتی نسبی جامعه است، تا اینکه ناشی از خود متمایز و خودویژه اش باشد و روحانیت کلپایگانی، شریعتمداری و مرعشی در مقابل روحانیت خمینی - بخوبی نماینده سرمایه داران وابسته بزرگ، متوسط و زمینداران را از یکطرف و خرده بورژوازی سنتی مرفه و زده های پائین بورژوازی را از طرف دیگر نشان میدهد. عملکرد اجتماعی اینها نیز عمدتاً مستقل و متمایز از یکدیگر است، تا اینکه متما به یکدیگر نباشد. و بیان وحدت روحانی بودن آنها باشد. خلعت اناسی جامعه سرمایه داری بمعنای طبقاتی بودن امور و روابط در لابلای صفوف روحانیت خود را نشان میدهد.

حتی در درون روحانیت خمینی نیز طبقاتی از جلوه های طبقاتی مختلف - البته منهای طبقه کارگر و دهقانان و زمینکنان - به نمایش گذاشته میشود. از طالقای، مجتهد شریعتی، گلراده غفوری و شیخ علی تهرانی تا بهشتی، رفسنجانی و اردبیلی که با وجود وحدتشان در برابر پرولتاریا و کمونیسم، سیاستها و مواضع کاملاً متفاوت و متضاد را دنبال نموده اند. در طبق روحانیت خمینی از یکسو شیخ حسن کروبی شیخ منتظری، نجف آبادی که سیاستهای رادیکالی را دنبال میکردند به چشم میخورند، و از سوی دیگر آذری قمی، قدوسی و بهشتی را مشاهده میکنیم که موضوع در مقابل همدیگر موضع میگرفتند. بخشی از همین روحانیت آشکارا سیاستها و مواضع خرده بورژوازی در پیش میگرفت و بخش دیگر آن موضوع سیاستهای بورژوازی را دنبال میکرد.

بنابراین، روحانیت پیرو خمینی که سهم مهمی از قدرت را پس از قیام بدست آورد، و حتی تقریباً میتوان گفت نقش هژمونیک در قدرت داشت، هم خلعت خودویژه و مستقل از طبقات دارد. (۱) هم اینکه نمایندگان خرده بورژوازی مرفه سنتی را بیش از هر جریان طبقاتی دیگر منعکس مینماید، و شمارهای سیاسی این گروه را هم در گذشته با فوت مطرح و دنبال میکرده، و هم اینکه در حال حاضر، منافع آنرا در میان صفوف خود پاش میدارد. به علاوه نمایندگان خرده بورژوازی سنتی مرفه در قالب روحانیت پیرو خمینی که از مدتها پیش بصورت ضدیت این روحانیت و بویژه شخص خمینی با رژیم شاه و سلطه استعمار و جانب و شعار حیدر متحده ۱۸

اعتراض پدران و ماداران پاسداران

روز سه شنبه ۱۶ اردیبهشت ماه، تعدادی از خانواده‌های پاسداران به جلوی دکان چشمه رفتند و در آنجا به اعتراض نسبت به فرستادن فرزندانشان به کردستان، این جریان، که بار دیگر در شهر یور و مهرسال گذشته در حیوچه، حمله به کردستان، نیز اتفاق افتاده بود، روحیه اعتراضی توده‌های مردم و والدین زحمتکش توده‌های پاسداران را (و نه فرماندهان

آنان را) نشان می‌دهد. پدران و مادران پاسداران که اغلب از مردم زحمتکش هستند از خود می‌پرسند: چرا فرزندان ما باید در جنگ با برادران خود، با دهقانان و زحمتکشان کرد که هیچ خواستی جز حقور سازی هر خلق را ندارند، شهید شوند، در کردستان، این نه سربازان و پاسداران ساده بلکه فرماندهان پاسداران و ارتش، و بطور کلی هیأت حاکمه مدافع سیستم سرمایه‌داری هستند، که منافع دارند، نه سربازان و پاسا-

سدارانی که خودشان اگر در لباس دهقان و کارگر باشند، باز توسط همین هیأت حاکمه، به مجبور و کوچکترین اعتراضی کشته می‌شوند! توده‌های پاسداران، گمان می‌کنند دارند از آزادی خلق دفاع می‌کنند درحالی‌که در حقیقت بر علیه خلق و در جهت به بند کشیدن آنها بنفع هیأت حاکمه ضد خلقی عمل می‌کنند. اعتراض پدران و مادران آنها به خوبی نشانه همین موضوع است. *

اخبار جنیش

ساواکیهای آزاد شده و افشا نشده دست به کار شده‌اند

بنا به اطلاعاتی که در گوشه و کنار ریگوش میرسد، ساواکی‌هایی که تا مدت‌ها افتاد، نشده، و دولیت جمهوری اسلامی آگاهانه در مغفلی نگذاشته‌اند، نام آنها گشوده است، در گوشه و کنار می‌گردد، جمع شده و خود را منظم و سازماندهی می‌کنند. این مطلب با توجه به اینکه شبکه‌های مزدوران و عوامل آمریکا در ایران، خود را منظم کرده‌اند، و کار آنها به جای رسیده است که زمینه را برای فعالیت نظامی آمریکا در ایران فراهم می‌کنند، اهمیت بیشتری می‌یابد.

حکومت که پیش از هر چیز از همان ابتدای پیروزی انقلاب در فکری سرکوب توده‌ها و انقلابی‌پویده و هیئت پس از محاکمه و اعدام عمده‌ای از ساواکی‌های مشهور آنهم عمدتاً تحت فشار مردم، بقیه آنها را آزاد گذاشت و حتی با فرمان غفوعی آنها را بی‌گناه جلوه داده و ایستادن مزدوران و دشمنان قسم خورده خلق ایران را رها کرد تا بتوانند به هر توطئه و جناحی علیه خلق بپردازند. سایدیگویشم که باره‌ای از این مزدوران - ساواک در خود کمینه‌ها

وزندانی و با زوجی‌های جمهوری اسلامی و در ساوا (سازمان امنیت و اطلاعات ملی ایران - ساواک جدید) بکارگرفته شده‌اند و بقیه که افشا، نیز نگردیده‌اند، یا با زور بده‌اند و یا باز نشده‌اند، باید بگوئیم که سازماندهی ساواکی‌ها و جمع شدن آنها با هم، تحت رهبری عناصری ساواک که هنوز در ایران هستند صورت می‌گیرد. این ساواکی‌ها، در گوشه و کنار ایران، با توجه به مدارکی که دولت آمریکا از ساواکی‌های سابق در اختیار آنها قرار داده است، یکدیگر را پیدا کرده و به همکاری مشترک بر علیه خلق ایران مشغول شده‌اند. طبق اطلاعات بعضی از ساواکی‌هایی که از ترس، یا ضربه همکاری مجدد با او مانده‌اند، از طرف رهبران جدید سازماندهندگان ساواک تهدید شده‌اند و به آنها گفته شده است: "که اگر با ساواک همکاری نکنید، مدارک شما را که موجود است در مورد همکاری سابقتان منتشر می‌کنیم تا نتوانید در میان مردم زندگی کنید!!"

درحالی‌که میبایست اساسی این ساواکی‌ها منتشر می‌شد تا مردم آنها را بشناسند و فعالیت آنها را دستگیر و محاکمه شوند، تا اعمال تباه‌کارانه و ضد خلقی خود را ادامه ندهند، حالا از همین اساسی و از نفرت توده‌ها نسبت به ساواکی‌ها، خود عوامل ساواک بهره‌برداری می‌کنند.

این ساواکی‌ها برای چه سازماندهی می‌شوند؟

آنچه مسلم است یک شبکه وسیع از مزدوران آمریکا، از درون حکومت گرفته تا سران ارتش و ساواکی‌ها و عوامل سیا و... در حال حاضر بوجود آمده است (به همین شماره روزمندگان رجوع کنید: مقالیه ارتش چه می‌کنند؟) این شبکه اولین اقدام خود را به مرحله عمل در آورده است و آن هم ایجاد زمینه مناسب برای عملیات آمریکا در ایران بوده که عقیم باقی نماند. طبیعی است که تشکیل مجدد ساواک بطور مخفی به جمع آوری اطلاعات لازم برای آمریکا، ایجاد امکانات برای اقدامات ضد خلقی و هرج و مرج و نا امنی و به ایجاد نا امنی و اغتشاش مردم را نسبت به انقلابیون ظنین کرده و آنها را آماده می‌کنند تا از احساسات آنها بهره‌برداری نمایند، تا بر علیه توده‌ها و انقلابیون دشمنان بسیار باشد و به اقدامی که خواستند دست بزنند. آزاد گذاشتن ساواکی‌ها، و غفوعی آنها نتیجه‌ای جز این هم ندارد. ما ضمن هشدار دادن به توده‌های انقلابی در این مورد و اعلام مسائل فوق، باز هم برای چندمین بار خواسته خود را، که خواسته همه خلق ایران است بازگو می‌کنیم: اگر حکومت واقعا با اغتشاش و عملیات خرابکارانه این مزدوران مخالف است، اگر حکومت حامی این جاسوسان و مزدوران نیست، اگر حکومت انظوکره ادعا دارد می‌خواهد با امیر با لیم بجنگد، چرا نام ساواکی‌ها را اعلام نمی‌کند و زندانی‌های خود را که از دانشجویان انقلابی و کارگران و زحمتکشان انقلابی برده است از ساواکی‌ها بر نمی‌کند! *

این تشکیلات به توبه خود با کمک سرمایه‌داران و پول سرائاری که شاه‌خاثن و ساواکات فراری سابق و آمریکا در اختیار آنها قرار می‌دهد، به تبلیغات بر علیه انقلابیون، نسبت دادن ترورها و بمب‌گذاری‌ها به انقلابیون، تحریر یک مردم، راه انداختن تظاهرات های تحریک آمیز ضد انقلابی و تحریک توده‌های نا آگاه، بر علیه کمونیست‌ها و انقلابیون دست می‌زنند. این شبکه‌ها با ایجاد جو نا امنی و اغتشاش مردم را نسبت به انقلابیون ظنین کرده و آنها را آماده می‌کنند تا از احساسات آنها بهره‌برداری نمایند، تا بر علیه توده‌ها و انقلابیون دشمنان بسیار باشد و به اقدامی که خواستند دست بزنند. آزاد گذاشتن ساواکی‌ها، و غفوعی آنها نتیجه‌ای جز این هم ندارد. ما ضمن هشدار دادن به توده‌های انقلابی در این مورد و اعلام مسائل فوق، باز هم برای چندمین بار خواسته خود را، که خواسته همه خلق ایران است بازگو می‌کنیم: اگر حکومت واقعا با اغتشاش و عملیات خرابکارانه این مزدوران مخالف است، اگر حکومت حامی این جاسوسان و مزدوران نیست، اگر حکومت انظوکره ادعا دارد می‌خواهد با امیر با لیم بجنگد، چرا نام ساواکی‌ها را اعلام نمی‌کند و زندانی‌های خود را که از دانشجویان انقلابی و کارگران و زحمتکشان انقلابی برده است از ساواکی‌ها بر نمی‌کند! *

خرده بورژوازی و ...

"استقلال، آزادی، حکومت اسلامی" جریان داشت، امری نیست که سرعت قلب ما هیت طبقاتی یابد، نما پندگی سیاسی یک گروه اجتماعی در نزدیک جریان قوی سیاسی، آنهم جریانی سیاسی - مذهبی با حالت ماندگاری و ثبات زیاد، همچون لباسی رویت که بتوان بیکباره آنرا بد آورد و بیکاری انداخت گذشت که جریان سیاسی - پسادگی فلسف ما هیت نمیاید، و این تغییر ما هیت طبقاتی یا سبب ارتش تغییر سیاسی مستلزم گذشت پروسه‌ی طولانی و انجام یک سلسله تغییر و تحولات است.

باری، از آنجا که بخشی از بلوک سیاسی حاکم در گذشته با مسووت خواست و منافع خرده بورژوازی سنتی مرفه را دنبال میکرد، و از طریق هزار تا رویوت و بد این گروه در ارتباط تنگاتنگ بود و چهره‌های مشهور و برجسته سیاسی خرده بورژوازی سنتی مرفه را در پیرامون خود گرد آورده بود و نیز از آنجا که سیاستها و مواضع خاص خرده بورژوازی سنتی مرفه و در جریان حرکت سیاسی و پیرامونهای مختلف حیات حاکمه از قیام بدیش و موضوع منعکس میگشت در صفات پیشینهای در این زمینه آورده شد که این امر بنویس خود سخت در پیش گرفتن مراد و ارتباطات ایران و امپریالیسم موشربود، این نتیجه عاید میشود که خرده بورژوازی سنتی مرفه در قدرت سیاسی نظام حاکم شریک بوده و حضور دارد. شرکت خرده بورژوازی سنتی مرفه در حکومتی که با قدرت تمام در جهت تحکیم و تثبیت نظام سرمایه داری وابسته - از طریق سرکوب و ترور و قتل عام بوده، های انقلابی و درهم کوبیدن مبارزات دمکراتیک و ضد سرمایه داری وابسته بوده - عمل میکنند و حتی پیش قدم بودن آن در بسیاری از کشتارها و اقدامات سرکوبگرانه که بمنظور تان مین نظم سرمایه و دفاع از مالکیت سرمایه میباشند (۲) بخوبی نشان دهنده واثبات کمیده است که این قشر که نمایندگان خود را در حکومت جاسا داده است و در عمل به سرمایه داری وابسته خدمت میکند، از صف انقلاب

بر علیه نظام سرمایه داری وابسته خارج گردیده و در زمره نیروهای خلق انقلابی محسوب نمیشود.

بدین ترتیب، مبارزه طبقاتی جامعه ما بر سبب مبارزات انقلابی ۵۷ و عواقب اجتماعی و سیاسی آن موجب شد که خرده بورژوازی سنتی مرفه بدنبال بورژوازی لیبرال و در کنار آن در موضع خدا انقلاب قرار گیرد، دستهای خرده بورژوازی سنتی مرفه، در جهت سرکوب انقلاب و کشتار نیروهای انقلابی تا مرق به خون خلق انقلابی آغشته است و تمام دعا و شای روحانیت و ایضا تئوریها و تحلیلهای رنگارنگ پاره‌بی از کمونیستها هرگز نمیتواند این داغ لعنت ضد انقلابی و ضد خلقی را از پیشانی خرده بورژوازی سنتی مرفه پاک کند و با وجود ناراحتی و غمگینی این کمونیستها از وضعیت خرده بورژوازی سنتی مرفه، این گروه دیگر در کنار انقلاب که نبوده، هیچ، بلکه در جبهه مقابل انقلاب و خلق ایران قرار دارد.

★ ★ ★

(۱) - مثلاً مجلس خبرگان و ولایت فقیه هر چند که مورد پشتیبانی توهم آمیز خرده بورژوازی و حتی افشار دیگر بود، با اینحال در اصل منطبق با خواست و منافع هیچ یک از اقشار طبقات جامعه بورژوازی نیست. و صرفاً خواست خود ویژه روحانیت پیرو خمینی است که در این منافع خاص خود را بر جاسا می‌تحمیل کرده است، خواستی که ریشه در قرون وسطا داشت و حتی متعلق به آن دوره است مثال دیگر در این مورد بر خورده خمینی و نیز روحانیت در مورد تحریم موسیقی در ادبیات و تلویزیون تحریم گوشت یخزده، مخالفت با بی جاب بودن زنان و شلاق زدن کسبه و پیشه‌وران.

(۲) - شرح پیشقدمیها و ابتکارهای جناح خرده بورژوازی سنتی مرفه هیات حاکمه در سرکوب نموده‌ها و خفه کردن انقلاب آنچنان وسیع و آنچنان واضح و آشکار بود که لازم نیست بدیم دوباره گویی و تکرار ملال آورده این مورد بپردازیم - بخصوص که در مقالات شماره‌های پیشین نشریه مرفور در شرح ضد سرمایه نیهای ضد انقلاب اعم از بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی سنتی مرفه فلم رده شده بود. *

اخبار جنبش

یاد رفیق رزمنده

حمید سلحشور
گرامی باد



ورفیق دانیالی، دیپلمه بیکار و انقلابی کمونیست، پس از ۲۲ ساعت که از بازداشتان میگذشت مورد ترور قاتلش، رژیم قرار گرفته، و رفا پس از ساعت‌ها زجر و شکنجه بدون ماکمه و بسودن هیچگونه دلیلی، جز مبارزه در راه خلق، مقابل جوخه‌های اعدام قرار گرفته و حیات خویش را در راه‌های خلق ارتقا و بند نظام سرمایه داری وابسته، تقدیم خلق کردند - و زندگیشان در درک ویی غلغله جاودا شد.

بادشان گرامی و دشمنانسان نابود باد!

★ ★ ★

اما ترورهای رسمی، بتکلی اعدام‌های مد انقلابی، آزماها - ست که توسط هیات حاکمه ضد خلقی بکار گرفته شده است. اعدام‌های ضد انقلابی ۱۱ شهید مبارز در کردستان در سال ۵۸، هنوز اذهان بخشی از نموده‌ها را بخود مشغول کرده است.

ضد خلق، در هفته گذشته دو گیل دیگر از گلزار انقلاب ایران را تا جوان مردانه چیدودور فقی میا - روزانه شهادت رساند.

رفیق احمد مودن، فارغ التحصیل دانشگاه هوا و پیکی از مسئولین دانشجویان و دانش آموزان هوا دار سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر درخوستان

شهادت دو

انقلابی کمونیست

هر روز که میگذرد، رژیم ضد خلقی، نمایش جدیدی از جنایت و سبقت خویش را نشان میدهد و این اقدامات، چه بدست نیروها و قدرتها رسمی و چه بدست باندهای سیاه و بطور غیر مستقیم انجام میگردد. ترور و کشتار غیر رسمی، از جمله ترور جوانان انقلابی و انداختن جسد آنها به رود کارون، در کوشه و کنار کشتور انجام میگردد.

مرگ پیرامیرالیم و ارتجاع

بقیه از صفحه ۲۰

ارتش

چیه

می کنند

پیش به شکل مطلوب این آمریکا بی ها در آورده است: استفسار در سلسله مراتب، تسهیل ارتش به سرکوب شده ها و تلاش برای بازگرداندن روحیه رزمی ارتش در مقابل نوده های مردم!

به این علت ها، وبه علت اینکه اساساً ارتش کنونی همان ساخت و ترکیب ارتش شاهنشاهی را دارد، طبیعی می باشد که به خدمت امپریالیسم آمریکا درآید. چه اطاعت کورکورانه ای و چه فرماندهی و شبکه وسیع آمریکایی در ارتش برای حتی در یک حمله نظامی آمریکا به ایران آنرا به متحمس سفاکی داخلی آمریکا تبدیل می کند.

بنی صدر در این امر مردم می خواهد که به این ارتش اعتماد کنند، به آن پشتگرمی بدهند.!

آنرا تضعیف نمی پند. تا بتواند کار خود را وظایف اسلامی را انجام دهد! "هیأت حاکمه کلان در تقویت این ارگان سرکوب و سرکوب خلقی نهایت کوشش را به خرج داده است. اعتماد در ارتش یعنی اعتماد به فرماندهان! و اعتماد به فرماندهان یعنی اعتماد به دستورات آمریکایی! این ارتش که تاکنون یک گلوله هم محض نمونه بسوی امپریالیسم آمریکا شلیک نکرده است، در عوض پرونده قتلوار در مقابل جنايت و کشتار از خلقهای مبارز ایران! از زخم کشان و دهقانان! چنین ارتشی وظیفه اخلاقی اش دفاع از منافع هیأت حاکمه در مقابل توده های زحمتکش است. فاشیسم و هلی کوپترگیری آن علیه خلقها همیشه آماده می باشد، اما علیه آمریکا بی ها: تنها بهمد از تها و زنا می پرونده های جا سوزان را با بمباران نابود می کند. کسی نفهمد چه کمائی قرار بوده است در داخل ایران با آمریکا بی ها همکاری کنند. این ارتش،

و شبکه آمریکایی آن در ارتش با سایر نیروهای وابسته و مدافع آمریکا، سرمایه دارانی که بی نهایت علاقمند به نظم و امنیت برای براداران سرمایه های امپریالیستی در ایران مستقر شود همیشه و در هر حال تنها بدر سرکوب خلقها میخورد و بی این ارتش نه تنها ضد امپریالیست نیست بلکه نیروی نظامی داخلی امپریالیسم محسوب میشود.

اگر در رهبری ارتش چنین وضعیتی وجود دارد برعکس در میان توده های ارتش، در میان سربازان و درجه داران روحیه وضع دیگری موجود است. سربازان روز بروز بیشتر به ماهیت ارتش بی میزنند و اما فراریان از ارتش، و کسانی که مخالف حمله به کردستان و جنگ با خلق کردها هستند سرعت افزایش یافته است. پادگانهای کسبه

سربازان خود را برای کشتار برادران و پدران خود سربازان به کردستان میفرستند، هر روز مواجه با غایبین بیشتر و فراریان بیشتر میشوند. تصور در ارتش رو به

افزایش است. سربازان در تیریز حاضر به انتقال به کردستان جهت کشتار خلق کردها نیستند. خلبان فاشیسم در فضای سنج با چتر بمیان خلق کردها می آید و هواپیما پیش را را می کند. صخره ها خرد شود و سربازان به مردم می پیوندند و لباس پیشمرگان را به تن میکنند. سربازان تدریجاً در میابند که حکومت آنها را که فرزندان دهقانان و کارگران هستند به جنگ با دهقانان و کارگران یعنی پدران خود میفرستد. آنها در میابند که تمامی وعده وعیدهای حکام جدید فریبی بیش نبوده است. ارتش که میخواست با سرکوبی در کردستان و همچنین استفاده از حالت تشنج بین ایران و دولت فاشیستی عراق به بازسازی خود پرداخته و انسجام یابد، در عمل مواجه با بیداری و هوشیاری بیشتر سربازان و درجه داران شده است.

سربازان و پرسنل انقلابی ارتش، هر چه بیشتر به حقانیت خلق کردی برده و حمایت خویش را از آنها افزایش داده و خواهند داد.

بقیه از صفحه ۱۵

اوضاع اقتصادی...

اغلب خود، با داده گاه مبلغ وسیعی برای پرداخت ما به از این چنین املاکی در نظر بگیرد.

تذکره کلیه مطالب داخل گنومه از گزارش بنیاد به شورای انقلاب است که تهران هرالد در شماره

نیمه مه (۱۵ اردیبهشت) آنرا بطور کامل چاپ کرده

بقیه از صفحه ۶

توضیحات مبارزه ضد امپریالیستی

۷۰۴۰۲۰۸ - روزنامه جمهوری اسلامی

۶ - روزنامه مجله ملی

- (۱) - انقلاب اسلامی، ۱۵ اردیبهشت
(۲) - از سخنرانی بنی صدر در بین اعضای صندوقهای قرض الحسنه

بقیه از صفحه ۱۰

پیسروز باد...

انقلابی کردستان، در واقع سبزه های دیگر را از آن جدا نمایی تا بسوا در احوال ترحیش خلق کرد را حاضر و سرکوب نماید.

اما آنچه مهم است عزم راسخ خلق کردها و مقاومت (بهتر) نکل، می باشد. کوچکترین سازش در کردستان به کارگردان ساز -

نکار از جنبش منجر خواهد شد. و چنین است که جنبش کردستان، به سنی محکم در مقابل توسعه ارتجاع و شکل گیری سیستم سرمایه داری وابسته تبدیل شده است. خلق کرد، صفحات خونینی از تاریخ ما را در دل خلق ایران مینویسد. خلق کردگری است که برای هیأت حاکمه همچنان

ناگشودنی باقی خواهد ماند! جنبشی که ایما در کردستان را در تیریز دیده و در همه جا به مثابه مقاومت انقلاب در برابر انقلاب توسعه میباید. هر زحمتکش، هر پیشمرکه که به شهادت میرسد، دهها پیشمرکه به صف خلق کرد افزوده میشود! کوشش حکومت در فریب نوده ها و کشتن آنها به مقابله با خلق

کرد، با شکست روبرو شده است و اکنون نه تنها توده های متوهم، بلکه سربازان ارتش نیز به ما دگسی تن به سیاست هیأت حاکمه نمیدهند! این است سرنوشت هیأت حاکمه در کردستان! عمیق تر شدن بحران حکومت و تندید مسار زده طبقه نی!

(۱) محلی که هواپیما هسای آمریکا بی در آن فرود آمدند، یک فرودگاه اضطراری برای فرار بوده است که در زمان شاه شاهنشا خسته شده، و نرفته آن از میان مدارک محمود جعفریان بدست دادگاه انقلاب اسلامی افتاده بود: بنا بر این از وجود چنین فرودگاهی اطلاع کامل وجود داشته است.

(۲) "روز چهارشنبه ۵۹/۳/۵ به پایگاه یکم شکاری (پایگاه مادر) که تویپای ۲۳ میلیمتری تا در آنجا مستقر بودند برای حفاظت و پاسداری از مرز هوایی فرودگاه و پایگاه دستور داده میشود که سریعاً تویپا و رادارها را جمع کنید که درجه داران متخصی این دستگاهها سوال میکنند چرا؟ فرمانده گردان پدافند اظهار میسدارد دستوراً زبالا آمده است، پوسنیل درجه دار میگویند مگر میشود هواپیما و فرودگاه مهر آسار بدون حفاظت گذاشت آن سرگرد فرمانده یعنی هوایان میگوید: که من نمیدانم دستور داده اند. تویپا و رادارها جمع شود..."

نقل از مجله شماره ۵۸ - نامه درجداران نیروی هوایی جمهوری اسلامی.

(۳) همینطور قبل از عملیات نظامی آمریکا را در منطقه با بمبارانها و اشغال شده و از گسار افتاده بود، یک هفته قبل از تهاجم آمریکا، کلیه پرسنل دفاع ضد هوایی خراسان (لشکر ۷۷) به مرخصی فرستاده شده بودند.

(۴) تمام توجه توده های مردم به کردستان و دانشگاهها معطوف میشود، و وقتی جریان تجاوز نظامی آمریکا اعلام میگردد هیچکس حتی بفکر آن هم نبوده است (البته بجز کمونیستها و نیروهای انقلابی دیگر که پیوسته آنرا در نظر دارند).

مدارک فوق مربوط به قبل از تجاوز نظامی آمریکا به ایران است. پس از آنهم ما شاهد پورده یونی های زیادی نسبت به خود ما اجرا بوده ایم. با فوری فرمانده نیروی هوایی دستور میساران

هلی کوپترهای باقی مانده را میدهد، و مدارک را از بین ن

میبرد یا سدار نکبیهان هلی کوپترها به رگبار بسته میشود.

اعلام میشود که کویا قرار بوده این هواپیما ها یا هلی کوپترها در امجد

به و منظره هم فرود آیند، نقل و انتقالاتی در منظره قبل از فرود هواپیما ها انجام شده بود و آنجا تخلیه میگردد. همینطور چراغهای میدان امجدیه تا صبح روشن بوده اند، و سرانجام وقتی به سروقت هلی کوپترها میروند بنا به اظهار رئیس پاسداران خراسان، فرمانده لشکرتیایا بهانه هسای مختلف از موقع رسیدن به محل حادثه جلوگیری کرده است.

دلایل فوق که آنرا میتوان با صدها دلیل دیگر محکم نموده ما نشان میدهد که فرماندهی ارتش و سیستم ارتش، اساساً آمریکایی است، ارتش جمهوری اسلامی، ارتشی است که عوامل آمریکای و مزدوران آن در رأس قرار دارند و آنرا فرماندهی میکنند، رادارها راهمان موقع که لازم باشد از کنار میاندازند. با وجود اطلاع از فرو دگاه، آنرا قبلاً از بین نمیبرند، برای کشتار رنده ها آماده اند اما برای تها و زنی می آمریکا به آن کمک هم میکنند. این ارتش تابع قانون اطاعت کورکورانه آنهم

به سبک آمریکایی اش است: فرمانده دستور میدهد توب و ردار باید از کار بیفتند تا هواپیما ی آمریکایی به آسودگی از آسمان ایران بگذرد و سرباز و درجه دار مجبور به اطاعت است و گرنه بنا به اظهارات آقای بنی صدر برای چنین سرباز و درجه داری باید دادگاه و محاربی تشکیل داد.

در حقیقت شبکه های سیا و وابسته به آمریکا و ارتش عمدتاً از رده های بالای آن تا سطح افسران جزا اکنون شکل یافته و خود را سر و صورت داده است. سیاست هیأت حاکمه نیز منطق سیا خواست این شبکه ها که در درون حکومت هم میان محکمی دارند، ارتش را بی

ارتش چه می کند؟

